



سَلامُ اللهِ عَلَيْهَا

# فَطَمَّحِي الْهَيْعُ

از ولادت تا شہادت

با تجدید نظر و اضافات کلی

آیة اللہ فقید سید محمد کاظم قزوینی  
ترجمہ: علی کرمی



کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

## بخشهایی از کتاب زندگی فاطمه زهرا سلام الله علیها از ولادت تا شهادت

نوشته آیه الله سید محمدباقر قزوینی

ترجمه علی کرمی

انتخاب شده برای مسابقه ایام ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها

به ضمیمه بخش کوتاهی از زندگی حضرت امام خمینی (ره)

## فهرست

۴	شاهکار بدیع آفرینش و نشان قدرت خدا
۵	نگرشی بر موقعیت و جایگاه زن
۵	از کجا؟
۶	سالار پیامبران
۶	مام گرانمایه ی او
۷	نام بلند آوازه ی او
۸	پیامبر و پیمان زندگی مشترك
۱۰	خردمندترین بانوی عرب در آستانه ی نیک بختی
۱۱	نگرشی سریع بر امور غیر حسی
۱۲	پرتویی از این حقایق
۱۴	دوری از یار مهربان
۱۴	غذای بهشت
۱۷	امتیازی شگرف
۱۸	در آستانه طلوع
۲۰	نام ها و نشانه ها
۲۰	نامگذاری
۲۱	نامها
۲۲	نامهای نهگانه ی بانوی بانوان
۲۳	فاطمه
۲۴	برکت شناخت او
۲۴	امتیاز او بر دیگران
۲۵	شکوه و عظمت این نام مقدس
۲۵	صدیقه
۲۶	مبارکه
۲۶	کوثر
۲۸	طاهره
۲۹	زکیه
۳۰	مرضیه
۳۱	راضیه
۳۲	محدثه
۳۳	منزلت والای «فاطمه
۳۵	منظور از وحی
۳۵	به آسمانها
۳۶	وحی به فرشتگان
۳۶	به زنبور عسل

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

- ۳۶..... به مادر موسی
- ۳۶..... مصحف فاطمه
- ۳۷..... زهراء
- ۳۸..... بتول
- ۳۹..... پیامبران و پدیده ی اعجاز
- ۳۹..... عذراء
- ۴۰..... زندگی و مراحل رشد بانوی بانوان
- ۴۱..... در میان امکانات معنوی و رنجه
- ۴۲..... تصمیم تاریخ ساز فاطمه
- ۴۳..... يك از دواج نمونه
- ۴۳..... صفا و راستی خالص و صدها درس دیگر
- ۴۴..... در آسمانها
- ۴۶..... وه چقدر زیبا و پرشکوه!!
- ۴۷..... بسوی بازار برای خرید
- ۵۲..... اطاق برترین دختر دنیا
- ۵۳..... ایثاری بی نظیر
- ۵۴..... درود بر آن دست پربرکت
- ۵۴..... انگیزه ی این همه احترام
- ۵۵..... کاروان عروسی دخت بهشت
- ۵۷..... این امانت من نزد توست
- ۵۷..... زندگی خانوادگی
- ۵۸..... عشق و شناخت متقابل
- ۶۰..... سیمای فاطمه در قرآن
- ۶۰..... در آیه ی قربی
- ۶۱..... در سوره ی «هل اتی»
- ۶۳..... زندگی حضرت امام خمینی ره
- ۶۳..... هجرت امام خمینی به قم و تحصیل دروس تکمیلی:
- ۶۴..... امام خمینی در سنگر مبارزه و قیام:
- ۶۶..... تبعید امام خمینی از ترکیه به عراق:
- ۶۶..... هجرت امام خمینی از عراق به پاریس:
- ۶۷..... بازگشت امام خمینی به ایران پس از ۱۴ سال تبعید:
- ۶۷..... سرنگونی نظام شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن یوم الله:
- ۶۸..... جنگ تحمیلی و دفاع ۸ ساله امام خمینی و ملت ایران:

### شاهکار بدیع آفرینش و نشان قدرت خدا

«فاطمه»، و شما خواننده ی گرامی چه میدانی که «فاطمه» کیست؟ فاطمه شخصیت فرزانه و انسان والایی است که نشان و ویژگی زن بودن را به همراه دارد تا هم نشان قدرت رسا و بی همانند خدا و توانایی شگرف او در کران تا کران هستی باشد و هم شاهکار بدیع آفرینش بر تارک تاریخ بشر، چرا که خدای توانا بنده ی برگزیده اش «محمد» (ص) را آفرید تا نشان اقتدار و توان بی همانند او در میان همه ی پیامبران باشد و آنگاه دخت فرزانه و پاره ی تن او، فاطمه علیهاالسلام را از او پدید آورد تا نشان اقتدارش، در آفرینش انسانی بی نظیر از جنس زن باشد، انسان والایی که عصاره ای از فضیلت ها و مجموعه ای از موهبت ها و فرهنگی از ارزشها را تجسم بخشد. و راستی را که خدای توانا کامل ترین بهره از شکوه و بزرگی و بزرگمنشی را به او ارزانی داشت، به گونه ای که از آغاز تا فرجام آفرینش برای هیچ بانویی جز او، اوج گرفتن به بلندای این قله ی شکوه و پرکشیدن به این مقام و منزلت والا امکان پذیر نیست.

چرا که او در حقیقت از آن گروه از بندگان برگزیده و دوستان پاک و محبوب خداست که پیش از آنکه زمینیان آنان را بشناسند، آسمانیان به شکوه و مقام والایشان زبان به اعتراف گشوده و آیات روشنی از قرآن شریف در مورد منزلت شکوهبار آنان در بارگاه خدا فرود آمده است. آیاتی که از هنگامه ی فرود بر قلب شفاف «محمد» تا به امروز و تا هنگامه ی رستاخیز، همواره در بامدادان و شامگاهان و شب و روز تلاوت می گردد.

او شخصیت شکوهباری است که انسان به هر اندازه بیشتر و افزونتر بسوی کمال و معنویت اوج گیرد و حقایق جهان هستی را بهتر دریابد و از راز و رمز آفرینش و صعودها و سقوطها آگاهی افزونتری کسب کند، شکوه و شخصیت این برترین بانوی گیتی برای او بصورت گسترده تری از افق آشکار می گردد و امتیازات و ویژگی هایش به صورت درخشنده تری جلوه گر می شود، چرا که فاطمه علیهاالسلام همان بانوی گرانمایه ای است که خدای بزرگ او را می ستاید، به خوشنودی او خوشنود می گردد و با غضب و خشم او، خشمگین می شود. پیامبر بزرگ خدا او را به شکوه و بزرگی مقام و منزلت یاد می کند و امیر مومنان به دیده احترام و بزرگی به او می نگرد و از او سخت تجلیل می نماید و همینگونه همه ی امامان نور از حضرت مجتبی علیه السلام گرفته تا آخرین آنان امام مهدی علیه السلام، همگی به صورت وصف ناپذیری به او احترام می کنند و به دیده ی تقدیس و تکریم به این مام فضیلت ها و والایی ها می نگرند بانوی بزرگی که در قرون و اعصار به نام بلند آوازه ی او نظام ها برپا گشته و قدرت ها تاسیس شده و نیز به نام ستم سوزش قدرت ها و حکومت ها در هم نوردیده شده است.

انسان برتری که بخاطر دوستی او در روز رستاخیز خواهی دید که چگونه فوج فوج از مردم، وارد بهشت می گردند و به خاطر انحراف از مهر و دوستی و راه و رسم انسانساز او، چگونه آنان که کیفر ورزیده اند، انبوه انبوه به سوی دوزخ سوق داده می شود.

### نگرشی بر موقعیت و جایگاه زن

1- سخن از شخصیت پر شکوه فاطمه علیهاالسلام و نبوغ و ویژگی های او، در حقیقت سخن از موقعیت و جایگاه زن، این نیمی از پیکر جامعه را سخت گرمی داشته، و او را به جایگاه شایسته و حقیقی اش اوج بخشیده است.

2- در این بحث بطور طبیعی، نمونه ای از زن آگاه و مترقی که در خانه ی پدر، دختری شایسته و در زندگی مشترک، همسر و همراهی مورد اعتماد و امین و در قلمرو جامعه ی کوچک خانواده، یک مادر نمونه و یک مربی با ایمان و پاکدامن و لایق برای نسل سرفراز است، نیز در چشم انداز جستجوگران قرار می گیرد.

3- و نیز در این بحث از «زن» به عنوان یک انسان به مفهوم واقعی اش که در جامعه و محیط زندگی اش در چارچوب مقررات انسانساز دین خدا و در قلمرو پاکدامنی و شرافت و صیانت از موجودیت و هویت و شخصیت اش به او امکان کار و تلاش و پیمایش پله های نردبان ترقی و تکامل داده میشود نیز، سخن خواهد رفت.

4- و نیز ضمن بحث در این روند، روشن خواهد شد که:

اسلام زن را بر خلاف پندار بداندیشان نه تنها از دانش و فرهنگ، ادب و شناخت، کسب معرفت و پیمایش مدارج کمال علنی و معنوی باز نمی دارد، که سخت او را در این راه تشویق می کند و تنها از او می خواهد که از خودنمایی و جلف بازی، بی پروایی و هرزگی، نشست و برخاست ناصواب با بیگانه و اموری از این قماش که سرانجام زن را به نگونساری و تباهی می کشد و شخصیت و حقوق و هویت و هستی او را به نابودی سوق می دهد، بپرهیزد.

### از کجا؟

بجاست که پرتویی از زندگی پرافتخار، پدر و مادر سرفراز فاطمه علیهاالسلام مورد بررسی قرار گیرد تا بدینوسیله برخی از ابعاد عظمت و شکوه شخصیت بانوی بانوان، از نظر اصل وراثت دریافت گردد. اما بخاطر پرهیز از گستردگی بحث و خارج نشدن کتاب از روند موضوع، چکیده ی مطلب بدینصورت ترسیم می گردد.

## سالار پیامبران

پدر گرانمایه ی فاطمه علیهاالسلام پیام آوران خدا و فرستادگان او، حضرت محمد، فرزند ارجمند «عبدالله» است.

همو که پاک ترین و پرشرافت ترین آفریده ی آفریدگار و برترین پدیده ها در کران تا کران جهان هستی است.

همان انسان برتری که آفریدگار هستی تمامی موجودات را بخاطر او آفرید و در سراسر جهان آفرینش هیچ شرافت و برتری و شکوه و کرامتی نیست، جز اینکه این پیامبر بزرگ داراست.

این عصاره و چکیده ای است از آنچه می توان در مورد آن پیامبر پرشکوه آورد و باید دانست که در این جملات نه تنها ذره ای مبالغه و گزافه گویی نیست بلکه درست به این می ماند که بگوییم؛ «خورشد جهان افروز، درخشنده است.» و یا بگوییم؛ «عسل، شیرین و دلنشین می باشد.» آری این پرتویی از شخصیت والای پیامبری است که بانوی سرفراز گیتی از خانه ی او و از وجود گرانمایه ی او قامت برافراشته است.

## مام گرانمایه ی او

مام گرانمایه ی فاطمه علیهاالسلام بانوی ارجمندی است به نام خدیجه.

بانویی سپید چهره و نورانی و بلند قامت و زیبا، که در میان جامعه و مردمش پرشرافت و سخت محترم بود و در کارهایش اندیشور و بسیار خردمند. از هوشمندی و درایت بهره ای بسیار داشت و در امور و شئون، از بینشی ژرف و فراوان برخوردار بود.

در پرتو استقلال فکر و عمل و اعتماد به نفس خویش می زیست و به برکت مغز متفکر و هوشمند خود چرخهای امور اقتصادی و تجاری گسترده ی خویشتن را به حرکت می آورد و به اصول و مبانی و مقررات صادرات و واردات و مدیریت اقتصادی آگاه بود.

اینها همه از صفات شایسته و ویژگی های آن بانوی بزرگ به عنوان یک انسان شریف و یک زن با شخصیت بود.

اما صفات برجسته ی او به عنوان یک همسر و برای زندگی مشترک.

بانویی بود که هزاران هزار، از ثروت و دارایی خویش را به شوی گرانقدرش بخشید تا به هر صورتی که می خواهد و می پسندد در آن تصرف نماید و بی هیچ تردیدی دارایی هنگفت و سرمایه ی عظیم تجاری و اقتصادی این بانوی هوشمند و فداکار در پیشرفت و استواری اسلام نقش اساسی داشت.

چرا که اسلام در آن مرحله از حیاتش در حال شکل گرفتن و قدرت یافتن بود و نیاز شدیدی به ثروت و امکانات اقتصادی و زندگی داشت و خداوند بر اثر درست اندیشی و اخلاص آن بانو، این افتخار را به او داد که



کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

دارایی و امکانات تجاری و مالی اش را برای اسلام مهیا ساخت و با تامین نیاز اقتصادی اسلام، در آن مرحله ی حساس، هدف پیامبر نیز که پیشرفت اسلام بود بطور عملی تحقق یافت و پایه های آن، استوار گردید. به همین جهت است که پیامبر فرمود: هیچ ثروتی همانند ثروت «خدیجه» برای اهداف بلند من سودبخش و مفید نیافتاد.

ما نفعنی مال قط مثل مانفعنی مال خدیجه.

پیامبر گرامی با بهره گیری از ثروت «خدیجه»، وام وامداران را می پرداخت و بردگان را آزاد می نمود و به درماندگان کمک می کرد و بار را از دوش آنان برمی داشت و در رخدادهای ناگوار زندگی از آن به هر اندازه لازم بود مصرف می کرد و زیر بال محرومان را می گرفت، و هنگامی که در مکه بود به یاران بینوای خویش کمک می کرد و پول و امکانات لازم برای هجرت مهاجران را می پرداخت.

پیامبر در زمان حیات این بانوی فداکار آنچه صلاح می دانست از دارایی او هزینه می کرد و پس از رحلت او نیز باقیمانده ی ثروتش را، او و فرزندان او به ارث بردند [امالی طوس، ج ۲، ص ۸۲]. و درست به همین جهت است که سخن جاودانه پیامبر مفهوم روشن خویش را پیدا می کند که فرمود:

اسلام پس از جاذبه و معنویت خود، تنها با شجاعت و شهامت و شمشیر عدالت علی و دارایی خدیجه بر پای ایستاد و استواری یافت.

ما قام و لاستقام الدین الا بسیف علی و مال خدیجه.

### نام بلند آوازه ی او

زندگی و همگامی و همراهی این بانوی بزرگ و فداکار با پیامبر در طول همه ی زندگی مشترک درخور هر گونه تحسین و تکریم است.

به همین دلیل است که پیشوای بزرگ توحید، هرگاه پس از رحلت او نیز از وی و نام بلند آوازه اش یاد می کرد، یا نامش به میان می آمد با همه ی وجود برای او طلب آمرزش می کرد و قلب مصفایش به یاد او می شکست و چه بسا که قطرات اشک دیدگانش در اندوه فقدان آن یار مهربان و همسنگر و پشتیبان فداکار و هوشمند، بر گونه هایش می غلطید و فرومی ریخت.

روزی آن گرانبمایه ی عصرها و نسلها از خدیجه، همانند همیشه با عظمت و احترام بسیار یاد کرد که عایشه گفت:

ای پیامبر خدا! او بانویی سالخورده و از کار افتاده بود... و خداوند بهتر از او را به شما داده است! پیامبر فرمود:

«هرگز اینگونه که تو می پنداری نیست. خدا بهتر از او را به من نداده است، چرا که او هنگامی به من ایمان آورد که مردم به من کفر ورزیدند و زمانی مرا تصدیق کرد که مردم دروغگویم شمردند و آنگاه او مرا در ثروت



و دارایی هنگفت خویش شریک ساخت که مردم مرا از ثروت خویش محروم ساختند. و خدا فرزندی از آن بانوی پاک و فداکار به من ارزانی داشت و از دیگر زنان، فرزندی به من ارزانی نداشت و یا طبق خواست حکیمانه اش باقی ن نهاد.»

### پیامبر و پیمان زندگی مشترک

درست 25 بهار از عمر گرانبها و پربرکت پیامبر می گذشت که با بانوی چهل ساله ای به نام «خدیجه» که برترین بانوی روزگار خویش بود، پیمان زندگی مشترک را امضاء کرد و فصل جدیدی در زندگی اش آغاز شد.

برخی سن و سال خدیجه، آن بانوی هوشمند و پاک را ۲۶ و ۲۸ سال نیز نوشته اند اما مشهورترین دیدگاه، همان است که او به هنگام ازدواج با پیامبر ۴۰ بهار از عمرش می گذشت.

برخی بر آنند که «خدیجه» پیش از پیمان زندگی مشترک با پیامبر دوبار ازدواج کرده و همسرانش یکی پس از دیگری از دنیا رفته بودند و برخی نیز بر این اندیشه اند که او تا هنگامه ی ازدواج با پیامبر دختر و ازدواج نکرده بود.

ازدواج پیامبر با «خدیجه» شباهتی به ازدواج های شناخته شده نداشت، بلکه در نوع خود بی نظیر و دارای ویژگی هایی بود، چرا که این پیوند مبارک و مقدس نه ثمره ی زودگذر و دوستی بی پایه و اساس بود، و نه برخاسته از انگیزه های مادی یا دیگر امور و اغراض و اهداف رایج که در ازدواج چهره های مشهور و سرشناس دنیا وجود دارد. و نیز هدف های سیاسی نیز در امضاء و تشکیل این زندگی مشترک و ساختار آن، نقشی نداشت.

افزون بر اینها، زندگی و شرایط اقتصادی پیامبر و «خدیجه» نیز با یکدیگر تناسبی نداشت و میان آنها فاصله ی بسیاری بود، چرا که پیامبر خود دارای ارزشهای مادی و امکانات اقتصادی نبود و همانگونه که دوران کودکی را تحت سرپرستی و کفالت عموی گرانقدر خویش زندگی کرده بود، باز هم با او می زیست اما «خدیجه» ثروت مندترین و بی نیازترین زن در مکه و جهان عرب بود. به همین جهت فاصله ی زیادی میان سطح زندگی پیامبر و ثروتمندترین بانوی عرب می نگریم، اما آن بانوی خردمند شنیده بود و خوب می دانست که آینده ی درخشان و بسیار امیدبخشی در انتظار پیامبر است.

شاید این واقعیت را از غلام هوشمند خویش «میسره» دریافته بود که در سفر اقتصادی پیامبر با کاروان تجارتی «خدیجه» بسوی دمشق، همسفر پیامبر بود و نشانه های بسیاری از شکوه و عظمت و درایت و امانت و اقتدار را در او دیده و همه را ضمن تقدیم گزارش کار به بانوی خردمند حجاز، گزارش نموده بود، یا اینکه پیشگویی آن راهب و عابد دیر «بصری» در منطقه شام، در مورد آینده ی شکوهبار «محمد» به گونه ای به

گوش «خدیجه» رسیده بود و او نیز در پرتو ژرف نگری و الهام قلبی خویش به آن آینده ی درخشان دل بسته بود.

بر این اساس بود که بانوی پرشرافت حجاز، برنامه ی پیوند با پیامبر را تهیه نمود و خود با قداست و هوشمندی ویژه اش سخن را در مورد آن مطلب با پیامبر آغاز کرد و از آن حضرت تقاضا نمود که گام به پیش نهد و از راه پدرش «خویلد» یا عمویش از او خواستگاری نماید، اما پیامبر با وجود پیشگامی بهترین و ثروتمندترین بانوی جهان عرب برای پیوند با او، بهتر می دید که با بانوی که از نظر اقتصادی و مادی با او هماهنگ باشد زندگی مشترک را آغاز کند و به همین دلیل هم از «خدیجه» پوزش خواست و به او پاسخ مثبت نداد.

اما از آنجایی که «خدیجه» بانویی خردمند و دوراندیش و آگاه و بافضیلت بود، در برابر دلیل پاسخ منفی پیامبر به ازدواج با او گفت: «آیا کسی که تصمیم گرفته است خویشتن را به پیامبر ببخشد و جان ناقابل را فدای او کند، برای او مشکل است که ثروت و دارایی خویش را نیز بر او ببخشد و هر آنچه دارد همه را نثار قدم دوست کند؟» و با این دیدگاه بد که از پیامبر تقاضا نمود تا عموهای خویش را به خانه ی پدرش «خویلد» گسیل دارد و بطور رسمی از او خواستگاری کند.

عموهای پیامبر پس از شنیدن این خبر شادی بخش که در نوع خود بی نظیر بود، شگفت زده شدند و عمه های آن حضرت نیز با شنیدن خبر این پیشنهاد از سوی بانوی حجاز، در بهت و حیرت فرورفتند، چرا که برآستی هم، رخداد شگرفی بود!!

بانویی که هزاران هزار دینار ثروت و امکانات در اختیارش بود و ده ها و صدها کارگزار و کارمند از برکت سود سرشار کاروانهای تجاری او که در فصل های گوناگون سال، میان «یمن» و «مکه» از یکسو، و «مکه» و «دمشق» از سوی دیگر در حرکت بود زندگی می کردند، بانویی که دارایی و امکانات گسترده اش لحظه به لحظه در حال پیشرفت و توسعه بود، بانویی که بزرگان و سرشناسان و قدرتمندان روزگار از او خواستگاری نموده و به همه پاسخ منفی داده بود، اینک چگونه دل در گرو مهر مقدس و عشق پاک و پرمعنویت جوانی نهاده است که از ارزشهای مادی و زرق و برق روزگار چیزی ندارد و در کنار عموی گرانقدر خویش ابوطالب زندگی می کند؟ را ستی بانوی حجاز چگونه از او تقاضای ازدواج نموده و از آن خواسته است که این افتخار را به او بدهد و بپذیرد؟ چگونه؟ آیا این گزارش درست است و برآستی حقیقت دارد؟ عمه ی پیامبر «صفیه»، دخت بزرگوار «عبدالطلب» برخاست و بسوی اقامتگاه «خدیجه» رفت تا در این مورد تحقیق و بررسی نماید و آنگاه که با بانوی حجاز دیدار کرد و با او روبرو شد و آمادگی او را با همه ی وجودش دریافت و دید، آری بهترین و هوشمندترین و ثروتمندترین بانوی عرب آماده امضاء پیمان زندگی مشترک با والاترین جوان عرب می باشد.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

### خردمندترین بانوی عرب در آستانه ی نیک بختی

«صفیه» پس از دیدار با بانوی حجاز و اطمینان از درستی خبر بسوی برادرانش بازگشت و حقیقت را با آنان در میان نهاد.

عموهای پیامبر پس از دریافت صحت گزارش شادمان شدند، اما شادمانی آنان با نوعی بهت و حیرت همراه بود. چرا که «خدیجه» بانوی بزرگی بود که قدرتمندان و اشراف و امیران عرب به خواستگاریش شتافته بودند و او آنان را همشان و همتای خویش ندیده و دست رد بر سینه ی همه ی آنان زده بود اینک چه انگیزه ای او را بر آن داشته است که دل در گرو عشق مقدس جوانمردی نهد که از زرق و برق و ارزش و امکانات مادی و مالی، نه زر و سیمی دارد و نه از زمین پهناور خدا یک وجب خاک را، مالک است؟! عموهای پیامبر برخاستند و به اقامتگاه بانوی حجاز شتافتند و او را از پدرش «خویند» یا عمویش، برای پیامبر خواستگاری کردند.

پدرش در برخورد نخست، پاسخ مثبت نداد اما به اشاره ی دخترش با آن پیوند موافقت کرد.

موضوع مهریه پیش آمد و اینک باید مهریه ای درخور مقام و موقعیت بانوی بزرگ حجاز از سوی پیامبر تقدیم گردد اما از کجا و چگونه؟ و چه کسی می تواند این مبلغ سنگین و درخور شخصیت و موقعیت «خدیجه» را تقدیم دارد؟ درست در این لحظات بود که دگرباره بانوی حجاز به کار جالب و شگرفی دست زد و با هدیه نمودن چهار هزار دینار به پیامبر، از آن گرانبهای جهان هستی تقاضا کرد که آن را به عنوان مهریه به پدرش «خویند» پردازد، گرچه در یک روایت آمده است که جناب «ابوطالب» مهریه را با سرفرازی و شادمانی از اموال خویش تقدیم داشت و پیمان زندگی مشترک به امضاء رسید.

آری، با اینکه بانوی خردمند حجاز به ارزشهای والای اخلاقی و انسانی بهاء می دهد و در راه بدست آوردن شرافت و کرامت، ارزشهای مادی را فدا می کند با این وصف پدرش «خویند» از این اندیشه ی بلند بی بهره است و این اختلاف دیدگاه را تنها میان این پدر و دختر نمی نگریم بلکه این ناهماهنگی در اندیشه و این دو طرز تفکر میان پدران و فرزندان و میان دو برادر و دو همسر و پدر و فرزند نیز، هم در روزگاران گذشته و هم در جهان معاصر بسیار فراوان است.

به هر حال جریان به خوبی پیش رفت اما رخدادی بی سابقه و بی نظیر و بهت آور بود. در میان عرب کسی بخاطر نداشتن زنی خود مهریه اش را به همتای زندگی اش هدیه کند. به همین جهت جای شگفت ندارد که حس حسادت و ورزی ابوجهل فوران کند و آتش حسد در دل او زبانه کشد و فریاد زند که:

هان ای مردم! ما دیده بودیم که مردان مهریه زنان را می پردازند اما ندیده بودیم که زنان مهریه ی خویش را به مردان زندگی آینده خویش هدیه کنند. و ابوطالب، فرزانه ی عرب پرخاشگرانه به او پاسخ داد که:

«مردک کم خرد و پست چه می گویی؟ به جوانمردی همانند «محمد»، هم دختر می دهند و هم مهریه اش را خود هدیه می کنند، اما مردک کم خردی چون تو، اگر هدیه هم تقدیم داری، پذیرفته نمی شود و پاسخ مثبت نخواهی شنید.» و بنا به روایتی او را اینگونه سرزنش کرد:

«اگر خواستگار همانند برادرزاده ی سرفراز من باشد، او را به بالاترین و گرانبهارترین قیمت ها می برند و پرشکوه ترین مهریه ها را به او هدیه می دهند. اما اگر بسان تو باشد، با مهریه سنگین هم نمی تواند با زنی شایسته ازدواج کند.» این پیوند مبارک به بهترین صورت تحقق پذیرفت و پیامبر به تقاضای «خدیجه» به اقامتگاه او گام نهاد.

از آن لحظات بیادماندنی بود که دیگر «خدیجه» همواره احساس می نمود که نیکبختی در کامل ترین شکل ممکن به او روی آورده و خورشید خوشبختی اش طلوع نموده است، چرا که او به بزرگترین آرزوی خویش یعنی ازدواج با پیامبر رسیده بود.

بانوی بزرگ حجاز در این زندگی مشترک پسرانی بدنیا آورد که همگی آنان در کودکی از دنیا رفتند و دخترانی به نامهای «زینب» و «ام کلثوم» و «رقیه» و «فاطمه» به او و پیامبر ارزانی شد که کوچکترین، اما برترین و پرشکوه ترین آنان فاطمه علیهاالسلام بود.

مورخان در مورد دو دختر او، «زینب» و «ام کلثوم» دیدگاه متفاوتی دارند برخی بر این اندیشه اند که آن دو، از ثمرات شیرین این پیوند مقدس نیستند. اما درست این است که این دو تن نیز، فرزندان پیامبرند [ برداشت از بحارالانوار، ج 1، ص ۱۶ ] و ما در بحث های آینده خویش در این مورد سخن خواهیم گفت.

### نگرشی سریع بر امور غیر حسی

بحث پیرامون شخصیت بانوی خردمند جهان عرب و برخی ویژگیها و امتیازات و ارزشهای انسانی او دور می زد. ارزشهای والایی که هر کدام از آنها می تواند برای هر انسان تعالی خواه و کمال جو، نمونه ای جالب و زیبا باشد و درسهای انسانسازی بیاموزد.

این بانوی ارجمند و دارنده ی این ارزشهای اخلاقی است که به اراده ی خدا، سالار بانوان گیتی فاطمه علیهاالسلام را بدنیا می آورد و از شیر سرشار از مواهب و فضایل خویش به او می نوشاند و او را تغذیه می نماید.

فاطمه علیهاالسلام فرزند پدر گرانقدری چون پیامبر و مادر بزرگواری همانند این بانوی بزرگ است که در صفحات گذشته به برخی از ویژگی ها و ارزشهای برجسته ی اخلاقی و انسانی آن پدر و مادر نمونه، اشاره رفت.

با این نگرش سریع و با ترسیم این تصویر کوچک، از شخصیت آن دو بزرگوار، هم به میزانی اندک با شخصیت باعظمت فاطمه علیهاالسلام که از این رویشگاه پاک پاکیزه و از این درخت تناور و مقدس سر

برآورده است، آشنا می گردیم و هم می توانیم به گوشه ای از زندگی سراسر افتخار او در پرتو اصل وراثت نظری بیافکنیم.

در این مورد حقایق ثابت و تردیدناپذیری هست که انبوه روایات رسیده از پیامبر و خاندان وحی و رسالت آنها را ترسیم می کند.

حقایق ارزشمندی که کشفیات و دانش نوین با همه ی وسعت و گستردگی اش و با وجود دسترسی به اتم و درون آن و به ستارگان و کهکشانها و فراتر و فراتر از آنها، هنوز از دسترسی به این حقایق انکارناپذیر ناتوان است.

اینها واقعت هایی هستند که نه با عدسی های دقیق و پیشرفته ی میکروسکوپیها و ابزارهای پیچیده و منظم صنعتی می توان به آنها دست یافت و نه با دوربین ها و ماهواره های عکس برداری و اطلاعاتی و اشعه ی نیرومند بنفش و ماورای بنفش، چرا که اصولا مقیاس های طبیعی و تجربی از درک و دریافت آنها ناتوانند. این حقایق فراتر از درک و شناخت و دریافت با مقیاس های تجربی می باشند و به همین دلیل هم حواس چندگانه؛ بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی، و حس لامسه نمی توانند آنها را دریابند، این حقایق از اسرار خدا در جهان آفرینشند و در صورت تمایل می توان آنها را «امور فوق حسی و ماورایی»، نام نهاد.

### پرتویی از این حقایق

پیش از طرح پرتویی از این حقایق ناگزیر از ترسیم مقدمه ای کوتاه خواهیم بود و آن این است که:

1- نطفه ای که در رحم جایگزین می گردد و آنگاه جنین از همان نطفه، طبق اراده ی آفریدگارش، لباس هستی می پوشد، از خون پدید می آید و خون نیز عصاره ی خوردنیها و نوشیدنیهایی است که پس از عملیات گوناگون هضم و طبخ در آزمایشگاه های مجهز و شگفت انگیز بدن انسان، بوجود آمده و در رگها جریان می یابد. از این رو هیچ تردیدی نمی ماند که نطفه و خون پدید آمده از غذاهایی همچون: گوشت خوک یا نوشیدنیهایی نظیر مشروبات مست کننده، با نطفه و خون ساخته شده از غذاهایی نظیر گوشت گوسفند و مانند آن متفاوتند، چرا که نوع آن گوشت با این گوشت تفاوتی بسیار دارد و بطور طبیعی خون و نطفه ی پدید آمده از این دو گونه گوشت نیز با هم تفاوت آشکاری خواهند داشت.

2- نکته دوم اینکه، غذاها همانگونه که در جسم اثر می گذارند در روح نیز موثرند و هر کدام اثر خاص خود را بر جای می نهند، برخی از آنها قلب انسان را شادی می بخشند و اعصاب او را آرامش می دهند و از ناراحتی اعصاب او می کاهند و برخی دیگر به عکس آنها اثر می گذارند.

از سوی دیگر غذاهای پاک و حلال در روح و روان انسان اثر ویژه خود را می نهند و غذاهای نامشروع و نجس و آلوده همچون شراب یا غذای تهیه شده از راه دزدی و تجاوز به حقوق دیگران نیز به عکس گروه غذاهای حلال و پاک، اثر خاص خود را می گذارند. و درست همان اثر نیک یا بد و سازنده یا ویرانگری را که غذا در روح و روان انسان می نهد در نطفه او نیز همان اثر را می گذارد. همانگونه که حلال و حرام بودن و پاک و ناپاک بودن آن موثر است. اگر بخواهیم بر این واقعیت دلیل و برهان و شاهد و گواه ارائه کنیم بحث طولانی می شود و کتاب از سبک و اسلوب خویش خارج می گردد.

3- با عنایت به آنچه گذشت، در نوع غذاهای مصرف شده بوسیله ی پدر و مادر در حق گرایی و حق پذیری و روی آوردن به نیکی ها و شایستگی ها از سوی کودک، یا حق ستیزی و انحراف او بسوی شرارت و شقاوت، اثرات سرنوشت سازی است، چرا که از همین غذاهاست که نطفه پدید می آید و آنگاه همان نطفه از مسیر طبیعی خویش به قرارگاه مشخص خود می رسد و آنجا با چسبیدن به دیواره ی رحم و رشد تدریجی خویش، به صورت جنین کامل نمودار می گردد.

با این بیان غذاها، هم از جهت نوع و چگونگی در سرنوشت کودک و در اندیشه و طرز تفکر او و در گزینش دین و روی آوردن به راه هدایت و اعتدال یا انحراف و کجروی و سقوط او، اثر بهت آوری دارد و هم از نظر حلال و حرام و پاک و ناپاک بودن آن.

4- نکته دیگر اینکه حالت روانی و شرایط روحی زن و مرد به هنگام روابط زناشویی، در سرنوشت کودک و حالات روانی و حیات معنوی و تمایلات و گرایشهای او سخت موثر است.

بر این باور است که ترس و اضطراب پدر و مادر به هنگام انعقاد نطفه ی کودک بیچاره، بدترین اثر ویرانگر را بر جای می نهد، همانگونه که آرامش خاطر و اطمینان روحی آنان می تواند بهترین اثر را در کودک و روحيات او در آینده، داشته باشد. و نیز رغبت کامل و میل نیرومند جنسی دو همسر به هنگامه ی عمل زناشویی در زیبایی و شایستگی و هوشمندی کودک اثر سرنوشت سازی می نهد در حالی که بی میلی و سستی و ناتوانی جنسی آنان، اثری عکس آنچه اشاره شد بجای می گذارد.

با عنایت به این دو نکته، یعنی اثرگذاری شدید غذا در نطفه و جنین و نیز اثرگذاری حالات و شرایط روحی و روانی پدر و مادر در آنها، با توجه به دو عامل غذا و حالات روحی و روانی پدر و مادر، اینک توجه شما خواننده ی گرامی را به روایات بسیاری جلب می کنیم که مرحوم علامه ی مجلسی در جلد شانزدهم از کتاب خویش آورده است.

## دوری از یار مهربان

اولین گام برای تولد برترین بانوان خلقت دوری پیامبر از خدیجه و عبادت او به مدت ۴۰ شبانه روز بود در روایات آمده است که:

فرشته ی وحی بر پیشوای بزرگ توحید فرود آمد و گفت: ای «محمد!» خداوند بلند مرتبه درودت می فرستد و به تو دستور می دهد که به مدت چهل شبانه روز از همسرت «خدیجه» دوری گزینی. این فرمان بر پیامبر خدا گران آمد، چرا که او آن بانوی خردمند و باایمان را بسیار دوست می داشت. آن حضرت با وجود عشق و علاقه ی فراوان به «خدیجه»، فرمان خدا را به جان خرید و این مدت چهل شبانه روز را، شب ها به نیایش و عبادت و روزها به روزه داری، کمر بست و به «خدیجه» نیز بوسیله ی عمار پیام فرستاد که:

«هرگز چنین مپنداری که دوری گزیدن از تو، بخاطر بی توجهی و یا کدورت و ناراحتی است، بلکه حقیقت این است که پروردگرم مرا به این کار فرمان داده است و من تنها به انجام دستور می اندیشم. از این رو این دوری گزیدن را جز به نیکی و خیر نسبت به من گمان نداشته باش، چرا که خداوند هر روز چندین مرتبه به وجود شایسته ی تو بر فرشتگان گرانمایه اش مباحثات می کند.»

از این رو هنگامی که شب فرامی رسد در را ببند و برای استراحت به بستر خویش درآی و آگاه باش که من نیز در خانه ی «فاطمه بنت اسد» هستم. هنگامی که پایان چهلمین روز فرارسید، فرشته ی وحی بر پیامبر فرود آمد و گفت: هان ای «محمد!» خدای بلند مرتبه درودت می فرستد و فرمان می دهد که خویشتن را برای دریافت تحیت و ارمغان او آماده سازی.

## غذای بهشت

پیامبر از فرشته ی وحی پرسید: ارمغان پروردگار جهانیان چیست؟ «جبرئیل» گفت: من نمی دانم. پیامبر آماده بود که «میکائیل» فرود آمد و طبقی را که بر روی آن روپوشی از دیبا بود، در برابر او، به زمین نهاد.

فرشته ی وحی پیش آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت به تو فرمان می دهد که امشب با این غذا افطار نمایی.

امیر مومنان در این مورد آورده است که:

«روش همیشگی پیامبر این بود که هرگاه می خواست افطار نماید به من دستور می داد که درب خانه را باز بگذارم تا هر کس از راه می رسد وارد شود و اگر میل به غذا دارد، بتواند غذا بخورد. اما آن شب مرا بر درب خانه نشاند تا مانع ورود مردم گردم و فرمود:

علی جان! این غذایی است که جز بر من، حرام است.» امیر مومنان می افزاید:



من به دستور پیامبر کنار درب خانه نشستم و پیامبر با ارمغان آسمان تنها ماند. هنگامی که سرپوش را از روی طبق برداشتند، دیدم خوشه ای خرمای تازه، و خوشه ای انگور در آن سینی نهاده شده است. پیامبر از آن ارمغان آسمانی سیر خوردند و آب گوارا نیز نوشیدند. آنگاه دست مبارک را برای شستشو دراز کردند، فرشته ی وحی بر دست آن حضرت آب ریخت و «میکائیل» آن را شست و «اسرافیل» آن را با دستمال خشک کرد و باقیمانده ی غذا نیز با همان سینی به آسمان بالا رفت.

پیامبر برخاست تا نماز آغاز کند که «جبرئیل» پیش آمد و گفت: اینک نماز بر شما ممنوع است تا به سرای «خدیجه» برید، چرا که خدا به ذات پاکش سوگند یاد کرده است که امشب از شما، فرزند پاک و پاکیزه و نسل سرفرازی را پدید آورد.

پیامبر شتابان به سرای «خدیجه» آمد. آن بانوی بزرگ می گوید:

من دیگر با تنهایی خو گرفته بودم. از این رو هنگامی که شب فرامی رسید، سرم را می پوشانیدم و پرده ها را می انداختم و پس از نماز و بستن درب خانه، چراغ را خاموش می کردم و در بستر خویش می آرامیدم. آن شب درست میان خواب و بیداری بودم که بناگاه پیامبر محبوب، در خانه را به صدا درآورد.

صدا زدم چه کسی حلقه ی در خانه ای را می کوبد، که جز «محمد» نباید دیگری باشد؟ پیامبر با نوای دلنشین و لحن آرام بخش و زیبایش فرمود: خدیجه! منم «محمد»، درب را باز کن، منم، من!

خدیجه می گوید: در اوج شادمانی از آمدن پیامبر، برخاستم و درب خانه را گشودم و پیامبر وارد خانه شد. آن حضرت اینگونه بود که پس از ورود به خانه، ظرف آبی می طلبید و وضو می ساخت و دو رکعت نماز می خواند و پس از نماز به بستر می رفت. اما آن شب آب نخواست و آماده ی نماز نشد بلکه میان من و او، آنچه میان دو همسر انجام می شود، انجام شد.

آنگاه «خدیجه» سوگند یاد می کند که:

به خدایی که آسمان بلند را برافراشت و آب را از زمین جوشانید و جاری ساخت که آن شب هنوز پیامبر خدا از کنار من دور نشده بود که سنگینی وجود و حضور گرانبمایه ی دخت سرفرازم «فاطمه» را در سازمان وجود خود حس کردم [ ...بحارالانوار، ج ۱۶، ص [ 78. از این روایت نکاتی چند دریافت می گردد:

1- خدا به پیامبرش دستور می دهد که از بانوی خردمند حجاز برای مدتی جدا شود تا بر اثر دوری از او شور و شوق پیامبر به او بسیار گردد.

2- پیامبر در این چهل شبانه روز بیش از همیشه به عبادت و راز و نیاز پرداخته و بر اثر ارتباط همیشه و پیوسته با عالم بالا از روحانیت و معنویت و شرایط روانی و روحی ویژه ای بهره ور می گردد.

3- آن حضرت با ارمغان آسمان افطار می نماید، با موهبتی که به خاطر لطافت ویژه ای به سرعت به نطفه تبدیل می شود.

4- نطفه از آن ارمغان آسمانی و بهشتی که هیچ شباهتی به غذاهای جهان ماده ندارد، فراهم می آید.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

5- و دیگر حرکت فوری پیامبر به اقامتگاه «خدیجه» به منظور انتقال دادن نطفه با آن مقدمات و تدابیر شگرف و هدف خاص.

لازم به یادآوری است که این روایات را دانشمندان اهل سنت نیز با اندک تغییر آورده اند [ از جمله: «خوارزمی» در مقتل الحسین، ص ۶۳ و ۶۸ «ذهبی» در میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۶ «عسقلانی» در لسان المیزان، ج ۴، ص ۳۶ و تلخیص المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۶ ].

## روایات دیگر

و نیز گفتنی است که در این مورد روایات بسیاری با اندک تفاوت در لفظ آمده است که همه ی آنها در ترسیم این مطلب که؛ «انعقاد نطفه ی سالار بانوان گیتی از غذای بهشتی و ارمغان آسمانی است.» با هم همصدا هستند و یک پیام دارند.

برای نمونه:

1- حضرت رضا آورده اند که پیامبر گرامی فرمود:

هنگامی که مرا در سفر معراج به آسمانها بردند، فرشته ی وحی دستم را گرفت و مرا به بهشت پطرأوت و زیبا وارد نمود و از خرما ی آن به من داد و من آن را خوردم و آن خرما ی تازه در سازمان وجودم، تبدیل به نطفه شد.

هنگامی که فرود آمدم، با «خدیجه» همبستر شدم و وی به دخت گرانمایه ام «فاطمه» باردار شد. به همین جهت است که «فاطمه» حوریه ای است در چهره ی انسان و من هرگاه در شوق رایحه ی دل انگیز بهشت می شوم، بوی عطر آگین «فاطمه» را استشمام می کنم. .

.. ففاطمه حوراء انسیه، فکلما اشتقت الی رائحة الجنه شممت رائحة ابنتی فاطمه [ امالی صدوق، ج ۷، ص ۳۷۷ ].

2- از پنجمین امام نور، حضرت باقر است که:

جابر بن عبدالله آورده است که به پیامبر عرض شد: ای پیامبر خدا! شما فاطمه را بسیار بوسه باران می کنی و بسیار مورد محبت قرار داده و در آغوشش می گیری و با او به گونه ای جز سایر دختران رفتار می کنی، چرا؟ پیامبر فرمود: فرشته ی وحی «سیبی» از سیب های بهشت را برای من آورد و آن را خوردم و در وجود من به نطفه تبدیل گشت، سپس با خدیجه نزدیک شدم و او به فاطمه باردار شد و من بوی بهشت رت از او استشمام می کنم. و انا اشم منها رائحة الجنه [ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۳ ]

3- از ابن عباس آورده اند که:

«عایشه» بر پیامبر وارد شد در حالی که آن حضرت دخترش فاطمه را می بوسید. او به پیامبر گفت: آیا فاطمه را خیلی دوست می دارید؟ اتحبها یا رسول الله؟ پیامبر فرمود: بهوش باش! به خدای سوگند اگر می دانستی من چه اندازه او را دوست می دارم، محبت تو نیز به او بیشتر می گشت، چرا که شب معراج که مرا

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

به آسمانها بردند... در بهشت زیبا و پرطراوت خدا خرمای تازه ای برایم آوردند که نرم تر از کره و عطراگین تر از مشک و شیرین تر از عسل بود. آن خرمای تازه را خوردم و به سرعت به نطفه تبدیل گشت و پس از بازگشت به زمین به «خدیجه» نزدیک شدم و او به دخترم فاطمه باردار گردید. به همین جهت فاطمه حوریه ای است در سیمای انسان، و من هرگاه در شور و شوق بهشت می شوم، بوی او را استشمام می کنم. این روایت را با اندک تفاوت در عبادت، همه ی این دانشمندان در کتابهای خویش آورده اند:

1- خطیب بغداد در تاریخ خود، ج ۵، ص ۸۷

2- خوارزمی در مقتل الحسین، ص ۶۳

3- ذهبی در میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۳۸

4- زرنندی در نظم درراالسمطین

5- عسقلانی در لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۶۰

6- قندوزی در ینابیع الموده

7- طبری در ذخائر العقبی ص ۴۳. یادآوری می گردد که این روایات را کتابهای نامبرده از عایشه و ابن عباس و سعیدبن مالک و عمر بن خطاب روایت کرده اند.

8- و نیز شیخ شعیب مصری این روایت را در کتاب خویش (الروض الفائق)، ص ۲۱۴، بدینصورت آورده است:

روزی «خدیجه» از پیامبر خواست تا برخی از میوه های بهشت را به او نشان دهد. فرشته ی وحی فرود آمد و برای آن حضرت دو سیب بهشتی آورد و گفت: ای محمد آن خدایی که برای هر چیزی اندازه ای مقرر فرموده است به تو دستور می دهد که یکی از این سیبها را خودت بخور و دیگری را «خدیجه» و سپس با او بیامیز، چرا که خداوند بر آن است که «فاطمه» را از شما پدید آورد. و پیامبر دستور خدا را به انجام رسانید... از این رو پیامبر هرگاه در شور و شوق بهشت و نعمت های آن می شد «فاطمه» را بوسه باران می ساخت و بوی عطراگین او را استشمام می کرد... و می فرمود: فاطمه حوریه ای است در چهره ی انسان.

### امتیازی شگرف

از امتیازات شگرف فاطمه علیهاالسلام که نه تنها دانشمندان شیعه، که علمای بسیاری از جمله علمای اهل سنت نیز بدان تصریح می کنند، این است که آن بزرگوار به اراده ی خدا به هنگامی که مادرش بر او باردار بود سخن می گفت. برای نمونه:

1- عبدالرحمن شافعی از بزرگان سرشناس اهل سنت در کتاب خویش به روایت از مادرش خدیجه، در این

مورد آورده است:

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

هنگامی که به فاطمه باردار شدم، باری سبک بود و در شکم با من سخن می گفت [ نزهةالمجالس، ج ۲، ص ۲۲۷ ] .

« 2-دهلوی» دانشمند دیگر اهل سنت در کتاب خویش «تجهیز الجیش» از کتاب «مدح الخلفاء الراشدين» آورده است که: هنگامی که خدیجه به «فاطمه» باردار شد، فاطمه در شکمش با وی سخن می گفت و «خدیجه» این رخداد شگرف را مدتی از پیامبر نهان می داشت.

روزی پیامبر وارد خانه شد و خدیجه را در حالی دید که بی آنکه کسی در خانه باشد سخن می گفت. از او پرسید: با که سخن می گفتی؟ پاسخ داد: کودکی که در شکم دارم با من سخن می گفت.

پیامبر فرمود: «خدیجه» مژده ات باد! خداوند این دختری را که خواهی آورد مادر یازده تن از جانشینان من قرار داده است که همه پس از من و پدرشان، یکی بعد از دیگری خواهند آمد.

3- و نیز در این مورد «شعیب بن سعد مصری» [ «الروض الفائق»، ص ۲۱۴ ] می نویسد:

هنگامی که کفرگرایان از پیامبر خواستند که ماه شکافته شود، «خدیجه» در حالی که به فاطمه باردار بود... گفت:

نومید و سرافکننده باد آنکه «محمد» را که برترین پیامبر پروردگار من است تکذیب نماید. درست در همین هنگام بود که فاطمه از اعماق جان مادر ندا داد که:

هان ای مادر! نگران مباش و نترس که خدا با پدر من است. و هنگامی که دوران بارداری به پایان رسید و خورشید وجودش از افق سرای محمد صلی الله علیه و آله درخشیدن آغاز کرد، با طلوع و به دنیا گام نهادنش، نور چهره اش فضا را نورباران ساخت.

## در آستانه طلوع

به هر حال محدثان و مورخان از جمله:

«طبری» در «ذخائرالعقبی»، و «صفوری» در «نزهةالمجالس»، و قندوزی در «ینابیع المودة»، در مورد چگونگی ولادت مبارک و طلوع خورشید جهان افروز دخت سرفراز پیامبر از مام گرانقدرش «خدیجه» آورده اند که:

«هنگامی که از لحظات ولادت فرزندم نزدیک می شد، پیکی بسوی قابله های قریش گسیل داشتم تا بیایند و در آن لحظات دشوار مرا یاری کنند، اما آنان بدان دلیل که من همسر محمد صلی الله علیه و آله بودم، از آمدن به یاری من سرباز زدند.

درست در همان شرایط بود که چهار بانوی بزرگوار که زیبایی و درخشندگی چهره هایشان وصف ناپذیر می نمود به خانه ی من آمدند و پس از ورودشان یکی از آنان گفت: «خدیجه!» غم مدار! من مادر تو «حوا»

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

هستم، و دیگری گفت: من هم «آسیه» می باشم، و سومی گفت: من «کلثوم» خواهر موسی هستم، و چهارمی نیز خود را «مریم» دختر عمران معرفی کرد. و افزودند، ما آمده ایم تا به هنگامه ی ولادت فرزند شکوهمندت تو را یاری کنیم. این روایت با اندک تفاوت بدینصورت نیز آمده است:

آنگاه که لحظات ولادت فرزند گرانمایه ی خدیجه نزدیک شد او پیکی بسوی زنان قریش گسیل داشت و از آنان خواست تا به اقامتگاه او بیایند و به هنگامه ی نیاز او را یاری رسانند اما آنان گفتند: بدان جهت که تو همسری محمد (ص) را برگزیده ای، به یاری ات نخواهیم آمد.

درست در همین هنگام بود که چهار بانوی بزرگوار که زیبایی چهره و نور جمالشان وصف ناپذیر می نمود به سرای «خدیجه» وارد شدند.

یکی از آنان خطاب به او گفت: «خدیجه!» من مادرت «حوا» هستم. دومی گفت: من «آسیه» می باشم. سومی خود را «کلثوم» خواهر «موسی» معرفی کرد و چهارمی می گفت: من مادر «عیسی» هستم، «مریم» دختر «عمران». ما آمده ایم تا تو را در کار زایمان و ولادت فرزندت یاری کنیم و آنگاه بود که فاطمه جهان را به نور وجودش نورباران ساخت.

هنگامی که بانوی بانوان گیتی به دنیا آمد در حالی که انگشت خود را به جانب آسمان بالا برده بود به سجده افتاد و پیشانی بندگی در بارگاه خدا به زمین نهاد.

مفضل در این مورد آورده است که: به ششمین امام نور گفتم:

سرورم! ولادت دخت فرزانه ی پیامبر چگونه بود؟ آن حضرت فرمود: هنگامی که مادرش به او باردار گردید، فاطمه از درون جان مادر با وی سخن می گفت و در فراز و نشیب ها، او را به پایداری و شکیبایی فرامی خواند و مادرش این رویداد شگرف را از پیامبر نهان می داشت که روزی آن حضرت وارد خانه شد و دید، خدیجه با کسی سخن می گوید از او پرسید با چه کسی سخن می گویی؟ پاسخ داد: کودکی که در شکم دارم، با من سخن می گوید و مونس تنهایی من است.

پیامبر گرامی فرمود: خدیجه! این فرشته ی وحی است. به من خبر آورده است که آن کودک پرشکوه، دختر است و مام فرزندان پاک و مبارک. خدا نسل مرا از او قرار خواهد داد و پس از فرود قرآن و وحی، از نسل او، پیشوایانی که برگزیدگان بارگاه او در زمین هستند برخواهد گزید.

آنگاه امام صادق پس از اشاره به آمدن بانوان چهارگانه ای که برای یاری رسانی به خدیجه به هنگامه ی ولادت فاطمه آمدند، فرمود:

بدینسان خدیجه فرزندش، فاطمه را پاک و پاکیزه به دنیا آورد. هنگام طلوع خورشید جهان افروز وجودش، فروغی پرتو افکند که همه ی خانه های مکه را نورباران ساخت و آنگاه شماری از حوریان بهشت که هر کدام طشت و ظرفی لبریز از آب کوثر با خود داشتند، وارد خانه ی پیامبر شدند و آن دختر بهشت را که پاک و

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

پاکیزه بود با آب کوثر شستشو دادند و دو پوشش سپید و عطرآگین بر او پوشاندند و از او خواستند تا سخن گوید و آن کودک نورسیده به خواسته ی خدا لب به سخن گشود و گفت:

اشهد ان لا اله الا الله و ان ابی رسول الله سید الانبیاء، و ان بعلی سید الاوصیاء، و ولدی سادۃ الاسباط.

گواهی می دهم خدایی جز خدای یکتا نیست و پدرم پیامبر، سالار پیام آوران است، و همتای زندگی ام، سرور پیشوایان آسمانی است، و فرزندانم سالار نوادگان پیامبرانند.

آنگاه رو به زنان و حوریان نمود و به هر کدام با نام و نشان سلام گفت...

آسمانیان ولادت دخت فرزانه ی پیامبر را به یکدیگر تبریک گفتند و در کران تا کران آسمانها فروغی پرتو افکند که فرشتگان تا آن روز آن را ندیده بودند.

زنان برگزیده ی بهشت کودک نورسیده را به مادرش دادند و گفتند:

خدیجه یا خدیجه طاهره مطهره زکیه میمونۀ، بورک فیها و فی نسلها.

هان ای خدیجه! کودک گرانیات را برگیر که پاک و پاکیزه است و خدا او و نسل سرفرازش پربرکت ساخته است. و آن مادر سرفراز با شادمانی وصف ناپذیری کودک خویش را در آغوش گرفت و به شیر دادن او پرداخت [بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲] [ابن عساکر] در کتاب خود «تاریخ کبیر» می نویسد:

بانوی بزرگ حجاز «خدیجه» اینگونه بود که هرگاه خدا به او فرزندی روزی می کرد او را به دایه ای شایسته می سپرد تا شیر دهد، اما هنگامی که دخت ارجمندش «فاطمه» ولادت یافت، خودش به او شیر داد و پرستاری از او را به عهده گرفت.

**این موضوع را «ابن اثیر» نیز در کتاب «البدایه و النهایه» ترسیم کرده است.**

### نام ها و نشانه ها

نامگذاری نامهای نهگانه ی بانوی بانوان قرآن و مقام والای صدیقین مراحل تصدیق «فاطمه» در پرفرازترین مرحله ی تصدیق و اژه ی «کوثر» از دیدگاه مفسران از شگفتی های روزگار مناظره ای شنیدنی بیست سند از اسناد مهم اهل سنت گوشه ای از مناظره حدیث شریف کساء شیعه و حدیث کساء منزلت والای «فاطمه» منظور از وحی مصحف فاطمه علیهاالسلام پیامبران و پدیده ی اعجاز یک جریان طبیعی...

اما بانوی بانوان

### نامگذاری

نامگذاری نوزاد و نورسیده، و نیز اصل نامگذاری از سنت های دیرین آفریدگار هستی است. از همین دیدگاه است که آفریدگار انسان پس از آفرینش «آدم» و «حوا» برای آنان نام و نشان برگزید و نیز همه ی نامها را به «آدم» آموخت.

انسانها نیز در این مورد از این روش دیرین خدا پیروی کردند و بر این اساس است که نامگذاری از دیدگاه جامعه ها پیشرفته و مردم متمدن کاری بایسته شناخته شده است. گرچه انسانهای وحشی بخاطر دور بودن از فرهنگ و تمدن، نه از اهمیت نامگذاری و اثر نام نیکو آگاهند و نه برای پدیده ها و انسانها نام نیکو و شایسته بر می‌گزینند.

## نامها

در طول قرون و اعصار نامهای انسانها، بخاطر تفاوت لغت و زبانشان با یکدیگر متفاوت شده است. گاهی میان نام و آنچه که آن نام بر آن برگزیده شده است تناسب و سازگاری وجود دارد و گاه وجود ندارد. گاهی نام در فرهنگ واژه‌ها دارای مفهوم است و گاه نامفهوم و بی‌معناست و بدون توجه به ریشه لغوی ساخته و پرداخته شده است. از دیدگاه دوستان خدا و بندگان شایسته ی او، نام و نامگذاری از اهمیت ویژه ای برخوردار است و این اهمیت و بهاء دادن کاری است درست و بجای، چرا که هر انسانی به نام و نشان خود خوانده می‌شود. با این بیان میان نام شایسته و نیکو، با نام زشت و ناهنجار تفاوت روشنی خواهد بود همانگونه که واکنش دارنده ی نام خوب و زیبا با دارنده ی نام زشت، و نیز واکنش شنونده ی این دو گونه نام و نشان، با یکدیگر قابل مقایسه نیست.

بر این اساس است که همسر «عمران» هنگامی که دختری شایسته دنیا می‌آورد، می‌گوید: من نام او را «مریم» برگزیدم.

«و انی سمیتها مریم [ «سوره ۳، آیه ۳۶. ] و خدا برای پیامبرش حضرت «یحیی» پیش از آنکه نطفه اش در قرارگاه خود قرار گیرد این نام نیکو را برمی‌گزیند، چرا که حضرت «زکریا» از پروردگارش فرزند شایسته و نیکو می‌خواهد و نیایشگرانه به بارگاه خدا روی می‌آورد که:

پروردگارا! تو در پرتو قدرت و از نزد خود فرزند و جانشینی به من ارزانی دار که از من و خاندان یعقوب ارث برد و او را، پروردگارا! پسندیده و مورد رضایت خویش قرار ده.

(ما به او وحی فرستادیم که) ای ذکریا! ما تو را به داشتن پسری مزده می‌دهیم که نامش «یحیی» است و پیش از این همانمی برای او قرار نداده ایم. .

..فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل یعقوب و اجعله رب رضیا، یا زکریا انا نبشرك بغلام اسمه یحیی لم لم نجعل له، من قبل سمیا [ «سوره ۱۹، آیه ۷ و [8. آری اگر شما خواننده ی گرامی به این آیه ی شریفه، نیک بیاندیشی که می‌فرماید. :

..لم نجعل له من قبل سمیا [ «سوره ۱۹، آیه ۷ ] .



کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

ما پیش از این، همنامی برای او قرار نداده ایم، آنگاه برایت روشن خواهد شد که گزینش نامهای دوستان و برگزیدگان بارگاه خدا از جانب خود اوست و هموست که گزینش نام برای آنان را خود به عهده می گیرد و این کار خطیر را به پدر و مادر آنان وانمی گذارد.

پس از دریافت این واقعیت از قرآن کریم، اینک به همراه من بیا تا انبوه روایاتی را که بیانگر نام «مقدس» فاطمه علیهاالسلام هستند و نیز دلیل گزینش این نام جاودانه برای دخت سرفراز پیامبر را بیان می کنند، با هم بنگریم تا این حقیقت روشن شود که اگر دخت فرزانه ی پیامبر «فاطمه» نامگذاری گردید. این گزینش نام، به دلایل و تناسب هایی بوده است و نه بدون برنامه، یا تنها بخاطر خوشایند و زیبا بودن این نام پرشکوه و پرمعنا. و اقیقت این است که در این نامگذاری تناسب و هماهنگی کامل میان نام و صاحب آن در نظر گرفته شده است و نام بطور کامل نشانگر و ترسیم کننده ی دارنده ی آن است.

امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید:

فاطمه علیهاالسلام در بارگاه خدا دارای نه نام است که عبارتند از:

«فاطمه»، «صدیقه»، «مبارکه»، «طاهره»، «زکیه»، «راضیه»، «مرضیه»، «محدثه»، و «زهراء.»

لفاطمة تسعة اسماء عندالله عزوجل:

- 1- فاطمة
- 2- والصدیقة
- 3- والمباركة
- 4- والطاهرة
- 5- والزکیة
- 6- والراضیة
- 7- والمرضیة
- 8- والمحدثة
- 9- والزهراء [ ...بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۰. ] و اینک نگرشی کوتاه به این نامهای مقدس.

### نامهای نهگانه ی بانوی بانوان

بانوی بانوان به تناسب شخصیت والا و ابعاد گوناگون شخصیت شکوهارش، نامهای مختلفی دارد. و روشن است که هر کدام، اشاره به بعدی از ابعاد شخصیت او می نماید.

## فاطمه

روایات گوناگونی در مورد نامگذاری آن حضرت به این نام مبارک رسیده است که ما پیش از ترسیم این روایات خاطر نشان می‌سازیم که؛ نام مقدس فاطمه از واژه ی «فطم» که به معنای بریدن و جدا کردن است، برگرفته شده است. بر این اساس هنگامی که گفته می‌شود:

«فطمت الام طفلها» و یا «فطمت الحبل» به این معناست که مادر کودک خویش را از شیر برگرفت و یا ریسمان بریده شد.

علامه مجلسی در این مورد می‌گوید:

چه بسیار که اسم فاعل به مفهوم اسم مفعول می‌آید. برای نمونه: «سر کاتم» و «مکان عامر» که به مفهوم مکتوم و معمور، یعنی پوشیده داشته شده و آباد شده آمده است. همانگونه که در قرآن شریف نیز: «فی عیشة راضیة» به معنای «فی عیشة مرضیة» آمده است. و اینک این شما و این هم برخی از روایات پیرامون این نام مقدس.

### پیروان او از آتش در امان داشته شده اند

ششمین امام نور از پدران گرانمایه اش و آنان از پیامبر گرامی آورده اند که فرمود:  
عن جبرئیل قال له:.... سمیت فاطمة، فی الارض، (لأنها) فطمت شیعتها من النهار [بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸]. فرشته ی وحی به او پیام آورد که: این دخت گرانمایه در زمین «فاطمه» نامگذاری شد، چرا که پیروان راستین او از آتش دوزخ در امان داشته شده اند.

### خدا، او و پیروانش را از آتش در امان داشته است

هشتمین امام نور از پدران گرانقدرش و آنان از پیامبر آورده اند که فرمود:  
یا فاطمة ادرین لم سمیت فاطمة؟ قال علی علیه السلام: لم سمیت؟ قال: لأنها فطمت هی و شیعتها من النار [بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۴، ذخائرالعقبی، ص 26، چاپ قاهره، ینابیع المودة، ص ۱۹۴]. فاطمه جان! می دانی چرا به این نام، نامگذاری شده ای؟ امیر مومنان پرسید: چرا؟ فرمود: بدان دلیل که او و پیروان راستین اش از آتش دوزخ در امان داشته شده اند. و نیز فرمود:

سمیت فاطمة لان الله فطمها و ذریتها من النار، لقی الله منهم بالتوحید و الایمان بما جئت به. [بحارالانوار، ج ۴۳]. او فاطمه نامیده شده چرا که خدای جهان آفرین او و هر کدام از نسل پاکش که خدای را با توحید گرای و ایمان به آنچه من آورده ام، دیدار کند، همه را از آتش در امان داشته است. و نیز از پیامبر آورده اند که فرمود:

انما سمیت ابنتی فاطمة، لان الله فطمها و ذریتها و محببها عن النار [ینابیع المودة، ص ۳۹۷، چاپ استامبول]. دخترم فاطمه تنها بدین جهت به این نام مقدس نامیده شد که خدا او و نسل پاک و دوستداران واقعی اش را از آتش دوزخ در امان داشت. و نیز از پنجمین امام نور آورده اند که فرمود:

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

در روز رستاخیز فاطمه علیها السلام بر نزدیک درب دوزخ می ایستد و نیایشگرانه رو به آسمان می گوید:  
الهی و سیدی، سمیتنی فاطمه، [ ...بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵ ] .خدای من! سالار من! شما نام مرا فاطمه  
برگزیدی و به مهر خویش مرا و دوستداران نسل مرا از آتش در امان داشتی. بار خدایا! وعده ی تو حق است  
و تویی که در وعده هایت تخلف نمی ورزی.

از جانب خدا ندا می رسد که:

هان ای فاطمه! درست گفתי، من تو را بدین نام نامگذاری کردم و تو و دوستداران تو و نسل تو را که ولایت  
تو و نسل تو را داشته باشند همه را از آتش دوزخ در امان داشته ام .درست می گویی، وعده ام حق است و  
من در وعده های خویش تخلف نمی ورزم...

### او را از هر ناپسندی در امان داشت

از امام صادق است که فرمود:

آیا می دانید مفهوم واژه ی «فاطمه» چیست؟ یکی از شاگردان آن حضرت می گوید، گفتم: سرورم بفرمایید  
چيست؟ فرمود: یعنی او از بدیها و ناپسندیها جدا شده است.

آنگاه فرمود: اگر امیر مومنان با او پیمان زندگی مشترک امضاء نمی کرد، از آدم گرفته تا روز رستاخیز، در  
کران تا کران زمین همتا و همشانی برای او پیدا نمی شد.

گفتنی است که این روایت را گروهی از دانشمندان و محدثان اهل سنت از جمله: «ابن شیرویه دیلمی» از  
«ام سلمه»، آن بانوی باشخصیت آورده است که می گوید: «پیامبر فرمود: اگر خدا علی را نیافریده بود، برای  
«فاطمه» همشانی نبود.» این مطلب را خوارزمی در کتاب «مقتل الحسین» ترمذی در کتاب «مناقب»  
مناوی در «کنوز الحقایق» و قندوزی در «ینابیع الموده» از «ام سلمه» و از «عباس» عموی پیامبر روایت  
کرده اند.

### برکت شناخت او

از ششمین امام نور آورده اند که:

دخت فرزانه ی پیامبر فاطمه علیها السلام، بدان دلیل به این نام مبارک نامیده شد که آفرینش از شناخت و  
معرفت او برگرفته شده است [ .بحارالانوار، ج ۴۳، ص 65. و انما سمیت فاطمه لان الخلق فطموا عن  
معرفتها ] .بحارالانوار، ج 43، ص ۶۵ .

### امتیاز او بر دیگران

از پنجمین امام نور حضرت باقر علیه السلام آورده اند که فرمود:

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

آنگاه که فاطمه علیها السلام ولادت یافت، خداوند به فرشته ای وحی فرمود که نام «فاطمه» را بر زبان پیامبر جاری سازد. از این رو پیامبر گرامی به خواست خدا نام گرانمایه ی او را «فاطمه» نهاد. سپس خدا به آن بانوی بافضیلت فرمود: من به وسیله ی دانش و بینش، تو را از دیگر بندگان جدا ساخته و بر همه ی آنان برتری بخشیدم و تو را پاک و پاکیزه ساختم.

آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود:

به خدای سوگند که خدا این بانوی گرانمایه را بوسیله دانش و بینش از دیگران ممتاز ساخت و از همان عالم «ذر» او را پاک و پاکیزه قرار داد.

### شکوه و عظمت این نام مقدس

آری این نام پرشکوه نزد خاندان وحی و رسالت دوست داشتنی بود. آنان به این نام و به این بانو سخت احترام می کردند و هر کس نیز بدین نام، نامیده می شد به او احترام می نمودند. برای نمونه:

1- ششمین امام نور از یکی از یارانش که خدا دختری به او داده بود، پرسید: نام او را چه برگزیده ای؟ او گفت: «فاطمه» حضرت فرمود: «فاطمه»؟! درود خدا بر «فاطمه» باد. و آنگاه افزود:

اینک که نام او را «فاطمه» نهاده ای، هرگز او را سیلی مزین و ناسزا نگو بلکه او را گرامی دار.

2- در «وسایل الشیعه» از «سکونی» نقل شده است که گفت:

بر امام صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که افسرده و اندوهگین بودم. آن حضرت پرسید: سکونی! چرا پریشانی و اندوه زده ای؟ گفتم: دختری برایم متولد شده است...

فرمود: نامش را چه نهاده ای؟ پاسخ دادم: «فاطمه» فرمود: آه! آه! آه! سپس فرمود:

اینک که نام او را «فاطمه» برگزیده ای به او ناسزا نگو و نفرینش منما و او را کتک مزین. و سایل الشیعه، ج ۷، باب احکام الاولاد [ ] .

3- در «سفینه البحار» از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود:

فقر و تنگدستی به خانه ای که در آن نام «محمد» و «فاطمه» باشد، وارد نمی گردد.

### صدیقه

خاطرنشان گردید که یکی از نامهای بلند آوازه ی بانوی بانوان، «صدیقه» است و این واژه ی مقدس به مفهوم بسیار راستگو می باشد.

این واژه به کسر «صاد» و تشدید «دال» از صیغه های مبالغه است و در معنا رساتر از «صدوق» می باشد.

در تفسیر این واژه ی مقدس برخی از واژه شناسان گفته اند که:

1- واژه «صدیق» به معنای کسی است که همواره راست می گوید.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

- 2- برخی گفته اند: کسی است که هرگز دروغ نمی گوید.
- 3- به باور برخی «صدیق» به مفهوم کسی است که در راستگویی در اوج کمال است و گفتارش را با رفتار و عملکردش تصدیق می کند و همواره نیکوکار است.
- 4- و برخی گفته اند: «صدیق» کسی است که بر اثر عادت به راستگویی از او دروغ سر نمی زند.
- 5- برخی «صدیق» را به کسی تفسیر کرده اند که گفتار و عقیده و اندیشه اش راست است و راستگویی خویش را با عملکرد درست ثابت می نماید [ تاج العروس ] .
- 6- برخی بر آنند که «صدیق» کسی است که آنچه را حق و عدالت بپسندد گواهی می کند.
- 7- و برخی دیگر گفته اند صدیق کسی است که راستی و راستگویی سیره ی همیشه ی اوست.
- 8- و سرانجام اینکه گفته اند «صدیق» کسی است که آنچه را خدا فرمان داده است بپذیرد و به خدا و پیامبرانش و آنچه به آنان فرود آمده است، ایمان بیاورد و قرآن این برداشت را تایید نماید. و الذین آمنوا بالله و رسوله اولئک هم الصدیقون [ .سوره ی ۵۵، آیه ۱۹. ] و کسانی که به خدا و پیامبران او ایمان آورده اند، اینان همان راستگویانند.

### مبارکه

و اژه ی «برکت» را «تاج العروس» به مفهوم نمو و نیکبختی و افزایش معنا کرده است. و «مفردات» آن را به مفهوم سرچشمه و جایی معنا کرده است که خیر و رحمت الهی به گونه ای از آنجا می جوشد و جریان می یابد که نه می توان از آن جلوگیری کرد و آن را محدود ساخت و نه می توان شمارش کرد و اندازه گیری نمود. با این بیان هر چیزی که فراوانی و افزایش و زیادی محسوسی در آن دیده شود، «مبارک» است و در آن برکت وجود دارد.

### کوثر

#### واژه ی «کوثر» از دیدگاه مفسران

مفسران در تفسیر آیه ی شریفه ی «انا اعطیناک الکوثر» دیدگاه ها و سخنانی دارند. گرچه مشهور آن است که «کوثر» حوضی معروف در رستاخیز، یا سرای آخرت، و یا نهر مشهوری در بهشت زیبا و پرطراوت خداست، اما «کوثر» بر وزن «فوعل» به مفهوم یک سرمایه ی ارزشمند و پایان ناپذیر، یا خیر و برکت بسیار می باشد.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

«سیوطی» دانشمند اهل سنت در تفسیر خویش «الدرالمنثور» در تفسیر واژه ی «کوثر» به نقل «ابوبشر» و «سعید بن جبیر» آورده است که «ابن عباس» می گفت: «کوثر» به مفهوم خیر فراوانی است که خداوند آن را به پیامبر گرامی ارزانی داشت.

«ابوبشر» آورده است که به «سعید بن جبیر» گفتیم: برخی از مردم می پندارند که «کوثر» نهری در بهشت پرتراوت است.

«سعید» گفت: آن نهر هم جزئی از همان خیر کثیر و برکات بسیاری است که به پیامبر ارزانی گردید. اما آنچه مناسب ترین معنا در این آیه شریفه است، این است که بگوییم: منظور از «کوثر» همانگونه که در تفسیر «فخر رازی» آمده است، وجود گرانیمایه ی بانوی بانوان «صدیقه ی طاهره» است. مرحوم «طبرسی» در «مجمع البیان» در مورد واژه ی «کوثر» می نویسد:

«برخی برآنند که کوثر به مفهوم خیر و نیکی بسیار است و برخی دیگر بر این باورند که به معنای زیادی و فراوانی نسل و فرزند است. این معنا در نسل پاک پیامبر و از فرزندان «فاطمه» آشکار گشته، به گونه ای که شمارش آنان امکان پذیر نیست و این برکت تا روز رستاخیز خواهد بود.» فخر رازی در تفسیرش در این مورد:

«دیدگاه سوم این است که منظور از واژه ی «کوثر» فرزندان پیامبر می باشد. چرا که مفسران بر آنند که این سوره ی مبارکه هنگامی بر قلب مصفای پیامبر فرود آمد که برخی از شرک گرایان آن حضرت را بخاطر نداشتن پسر سرزنش نمودند و خدا پاسخ آنان را در این سوره داد.» با این بیان پیام و مفهوم آیه ی شریفه این خواهد بود که:

خداوند به پیامبرش نسل سرفرازی ارزانی خواهد فرمود که در طول قرون و اعصار به یادگار بمانند و شما خواننده ی گرامی! خوب بیندیش که چقدر از خاندان وحی و رسالت را بخاطر دفاع از ارزشهای انسانی و اسلام به خاک و خون کشیدند و با این وصف جهان از نسل پیامبر آکنده است در حالی که از دشمنان کینه توز و بداندیش پیامبر همچون «امویان» کسی که شایسته ی نام بردن باشد، باقی نمانده است.

افزون بر آنچه آمد، اینک بنگرید که چگونه از نسل جاودانه و پرافتخار ا و دانشمندان بی نظیر و فرزانه ای، همانند حضرت باقر و حضرت صادق و حضرت کاظم و حضرت رضا و همچون نفس زکیه و... پدیدار شدند و در آسمان اسلام و جهان درخشیدن آغاز کردند.

آری دیدگاه مناسب این تفسیر این گونه است که یکی از کافران، پیامبر گرامی را پس از مرگ یکی از پسرانش مورد سرزنش قرار داد و گفت: «محمد» از ادامه ی نسل محروم گشت و اگر خود جهان را بدرود بگویند نام او نیز به همراه دین و آیین او به دست فراموشی سپرده خواهد شد و اینجا بود که خداوند برای آرامش خاطر بخشیدن به پیامبرش این سوره ی مبارکه را بر قلب پاک او فرودستاد و گویی خدا به پیامبرش فرمود که:

«هان! ای پیامبر برگزیده ی من! اگر امروز پسرت از دنیا رفت و عیبجویان تو را بدین بهانه نکوهش کردند، خاطر آسوده دار که ما «فاطمه» را به تو ارزانی داشتیم و او گرچه در شمار یک تن است اما در حقیقت بسیار است و بزودی از همین یک انسان والا، نسلی سرفراز پدیدار خواهیم ساخت.» و بر این اساس و نوید است که اینک با یک نگرشی کوتاه خواهیم دید که، آری نسل پاک بانوی بانوان که همان نسل جاودانه ی پیامبر است در سراسر جهان حضور دارد و همه جا منتشر شده است.

شمار این نسل سرفراز در عراق به یک میلیون نفر، در ایران به سه میلیون نفر، در مصر به حدود پنج میلیون، در مراکش و مغرب عربی به پنج میلیون نفر، در الجزایر و تونس و لیبی نیز همینگونه، در اردن، سوریه، لبنان، سودان، کشورهای خلیج و عربستان به میلیونها نفر، و در یمن، هند، پاکستان، افغانستان، و جزائر اندونزی، به حدود ۲۰ میلیون انسان می رسد. و کمتر کشورهای اسلامی است که در آن از این نسل سرفراز حضور نداشته باشد. و شمار آنان سر از ۳۵ میلیون و بیشتر درمی آورد. و اگر سرشماری دقیق و آمارگیری صحیحی انجام پذیرد، بی تردید شمار آنان از این هم افزونتر خواهد بود.

آری این شمار عظیم همه از نسل سرفراز پیامبر، از طرف امیر مومنان و دخت فرزانه ی پیامبر فاطمه علیهاالسلام است که در میان آنان، شخصیت های برجسته ای از دانشمندان، و نویسندگان، زمامداران و وزیران، نوابغ و چهره های برجسته در میدانهای گوناگون، وجود دارد. گفتنی است که برخی از این نسل جاودانه، به این پیوند و خویشاوندی و ارج آن، هم آگاهی کامل دارند و هم بر آن می بالند و برخی نیز توجهی به این راز شرافت و عظمت ندارند. و نیز برخی از آنان راه و رسم افتخارآفرین نیاکان گرانمایه ی خویش را گام سپرده و می سپارند و برخی نیز بدبختانه به راه ضلالت و گمراهی درغلطیده اند. تا آنجایی که شنیده شده است که برخی از علویان در «اندونزی» از بقایای فرقه های بداندیش و گمراه خوارج و نواصب هستند!!

## طاهره

یکی از نامهای دخت پیامبر «طاهره» است.

از امام باقر آورده اند که به نقل از پدرانش فرمود:

فاطمه دخت گرانمایه ی پیامبر، بخاطر پاکی و پاکیزگی اش از هر پلیدی و هر عارضه و عادت زنانه، «طاهره» نامیده شده است. و بهترین نکته ای که در این مورد می تواند محور بحث قرار گیرد، آیه ی شریفه ی «تطهیر» است که می فرماید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا [ «سوره ۳۳، آیه 33.]

(هان ای خاندان پیامبر!) خداوند می خواهد هر گونه پلیدی را از شما بزداید و شما را آنگونه که می باید، پاک و پاکیزه سازد.



این آیه شریفه به دلیل شکوه و معنویت بسیارش، در طلیعه ی آیات قرآنی است و از اهمیت بسیاری برخوردار است، چرا که سرچشمه ی شکوه و عظمت و ارزشهای خاندان وحی و رسالت، و دربردارنده ی نکات دقیق و عمیقی است.

در مورد این آیه ی شریفه از سوی دانشوران و دانشمندان بحث ها شده و قلم ها به نگارش پرداخته و اندیشه ها به تکاپو افتاده است و اگر بگوییم آیه ی تطهیر جولانگاه افکار و معرکه ی آراء گوناگون و دیدگاه های متفاوت است، و بویژه در این مورد که «اهل بیت» کیانند و قلمرو این عنوان و حدود آن چیست و تا کجاست، بحث های بسیار گسترده ای صورت گرفته است، چیزی جز واقعیت نگفته ایم.

نکته ای که در آیه ی «تطهیر» یک واقعیت تردیدناپذیر است، این است که به اتفاق همه ی محدثان و مفسران شیعه و سنی جز شمار ناچیزی از آنها این آیه ی شریفه، فاطمه علیه السلام دخت سرفراز پیامبر را شامل می شود، چرا که همه ی روایات رسیده در پیرامون آیه ی شریفه، بیانگر آن است که امیر مومنان و «فاطمه» و دو فرزند گرانمایه ی آنان، از قهرمانان آیه ی تطهیرند و این کمترین و محدودترین دایره ی شمول آیه ی مبارکه است.

اما پندار برخی که آیه ی مبارکه بخاطر ظاهر لفظ «اهل بیت» و یا بدلیل سیاق و قبل و بعد آن، متوجه همسران پیامبر است، چنین پنداری بسیار سست و بی اساس است، چرا که انبوه روایات رسیده در این مورد به روشنی نشانگر این واقعیت است که پیامبر پیش از فرود آیه شریفه به هیچ یک از همسران خویش، حتی «ام سلمه» نیز اجازه نداد که زیر «کساء» شریف وارد شده و جزء «اهل بیت» گردد.

ما در کتاب «علی از ولادت تا شهادت» در این مورد بحث نمودیم و اینجا نیز بخاطر رعایت اسلوب کتاب و نتیجه گیری کامل بحث، به انبوه روایات و منابع آنها در کتاب های اهل سنت اشاره خواهیم داشت.

## زکیه

واژه ی تزکیه و مشتقات آن در آیات متعددی از قرآن شریف به کار رفته است. برای نمونه:

1- قرآن می فرماید: «قد افلح من زکیها» [سوره ۹۱، آیه ۹]. هر کس جان را پاکیزه ساخت، رستگار گردید.  
۲ و می فرماید: «اقتلت نفسا زکیه» [سوره ۱۸، آیه ۷۴]. آیا کسی را که از گناه پاک و پاکیزه است، کشتی؟

3- و می افزاید: «لاهب لک غلاما زکیا» [سوره ۱۹، آیه ۱۹]. برای اینکه پسری پاکیزه به تو ارزانی دارم.

4- و می فرماید: «ذلک خه ازکی لکم و اطهر» [سوره ۲، آیه ۲۳۲]. این برای شما پربرکت تر و پاکتر است.

این واژه ی مقدس در فرهنگ عرب در مورد پاکیزگی و رشد و نمو به کار می رود. از این رو معنای آیه نخست این می شود که:

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

هر کس جان خویش را از ضد ارزشها و صفات نکوهیده ای که از شر شکم و زبان و سخن نسنجیده، خشم و حسد، بخل و دوستی جاه و مقام، دنیادوستی و خود بزرگی بینی و خودپسندی سرچشمه می گیرد، پاک و پاکیزه ساخت، رستگار گردید.

آری تزکیه ی جان از این صفات نکوهیده در گرو پیراستگی از این آفت ها و آراستگی به ویژگیهای اخلاقی و انجام کارهای شایسته ای است که ضد صفات نکوهیده ای چون بخل و خودکامگی و این گونه کارهای ناپسند باشد. و معنای آیه ی دوم نیز با توجه به معنای واژه ی تزکیه این می شود که: آیا کسی را کشته ای که از هر گناه و جنایتی که مجوز کشتن او باشد، پاک و پاکیزه است؟ و معنای آیه ی سوم این می شود که: من پسری پاک و پاکیزه از هر گناه و لغزش و آراسته ی به ارزشهای والای انسانی و عمل شایسته به تو ارزانی خواهم داشت.

با این بیان هنگامی که یکی از نامهای مقدس «فاطمه»، «زکیه» است نشانگر این حقیقت است که وجود گرانیامیه از سویی به تمام این معانی و مفاهیم پاک و پاکیزه و دیگر ارزشهای اخلاقی آراسته و از دگر سو از همه ی نقاط منفی پیراسته است.

در مورد قداست و طهارت آن حضرت به هنگام طرح آیه ی تطهیر به اندازه ی کافی بحث شد و به روشنی ثابت گردید که دخت فرزانه ی پیامبر از هر ناپسندی و پلیدی ظاهری و باطنی پاک و پاکیزه است. و معنای چهارمین آیه که این واژه در آن به مفهوم رشد و نمو است، باید خاطر نشان گردد که «فاطمه» به این معنا نیز «زکیه» است. در این مورد به هنگام بحث از واژه ی «مبارکه» که یکی از نامهای مبارک اوست، بحث شد.

## مرضیه

مقام والا و درجه ی بندگان شایسته و وارسته ای که خدا از آنان راضی و خشنود است، برآستی مقامی بلندمرتبه و بسیار والاست. و چقدر شمار بندگان آگاه و پروا پیشه ای که بخاطر درستکاری و عدالت خواهی و پایمردی و پایداری در انجام کارهای شایسته، مورد رضایت خدا قرار می گیرند، اندک است.

از جمله ی بندگان شایسته و شکوهمندی که به این مقام والا و مرتبه ی پرفراز و رفیع اوج گرفته است، دخت سرفراز پیامبر است، چرا که او به گونه ای زیست که خدا به بهترین صورت از او خشنود گشت.

او از نظر عبادت و فرمانبرداری خدا، از نظر پارسایی و انفاق، از نظر شکیبایی و پایداری در حق و عدالت و از نظر رفتار و گفتار، همواره پسندیده و مورد خشنودی آفریدگارش بود. درود خدا و پیامبران و فرشتگان و شایستگان بر او باد که راز آفرینش «زن» بود.

«حافظ عسقلانی» از پیامبر گرامی آورده است که فرمود:

«اتانی جبرئیل فقال: یا محمد ان ربک یحب فاطمةً فاسجد، فسجدت [ ...لسان المیزان، ج 3، ص 275 ] . فرشته ی وحی بر من فرود آمد و پیام آورد که: ای محمد! براستی که پروردگارت فاطمه را دوست می دارد، از این رو سجده ی شکر بجای آور که من سجده کردم...» و نیز «ذهبی» آورده است که: فرشته ی وحی به هنگامه ی ولادت فاطمه بر پیامبر فرود آمد و ضمن عرض تبریک، پیام آورد که خداوند به تو و به نورسیده ات سلام می رساند. «الله یقروک السلام و یقری ء مولودک السلام» .

### راضیه

از والاترین درجات ایمان به آفریدگار هستی، این است که انسان در اوج آگاهی و عشق، از تدبیر و تقدیر حکیمانه ی خدا خشنود بوده و به آنچه او برای بنده ی خویش اندازه گیری و تدبیر فرموده است راضی و دلگرم باشد. و این نشان بزرگی و مدال افتخارآفرین ایمان، از ویژگی های بانوی بانوان، فاطمه در همه ی زندگی تاریخسازش بود.

او بانوی گرانمایه ای بود که به همه ی فراز و نشیب ها و ناگواریهای زندگی که بر اساس تقدیر حکیمانه ی الهی برایش پیش آمد، خشنود بود و این کتاب که در دست شما خواننده ی گرامی است از آغاز تا انجام از رخدادهای غمبار و مصائب جانگداز و ناخوشایندی سخن دارد که از نخستین مرحله ی زندگی و دوران کودکی «فاطمه» تا لحظات شهادتش در اوج جوانی، بر او فروبارید.

آن حضرت در همه ی مراحل زندگی سراسر درس آموز و پرافتخارش، به آنچه خدا برایش مقرر فرموده بود، رضایت داشت و در راه انجام وظایف و بدوش کشیدن بار مسوولیت خویش، انواع شکنجه و آزار، ترس و ناراحتی، رنج و محرومیت، فقر و گرفتاری و هر غم و مشکلی را به جان خرید و توانمند و پرصلابت، افتخار آفرید و تاریخ ساخت و نور پاشید.

در این کتاب شما خواننده ی گرامی با برخی از این رنجهای و مصیبت هایی که با زندگی آن بانوی پرشکوه آمیخته بود، آشنا خواهید شد. راستی که آن امیره ی ارزشها و فضیلت ها، شخصیت والایی بود که این آیه ی شریفه باید شامل او شود و او مصداق بارز کسانی است که با این سخن شکوهبار مورد خطاب قرار می گیرند که:

«یا ایتهای النفس المطمئنه، ارجعی الی ربک راضیه المرضیه» [ ...سوره فجر، آیه 26. ] چرا که او به پاداش خدا و به آنچه آفریدگارش در این سرا برای او مقرر فرمود، خشنود بود و در همه ی زندگی، به گونه ای سخن گفت و عمل کرد که خدا از او خشنود و راضی باشد.

## محدثه

پیش از هر چیز باید بنگریم که آیا فرشتگان با کسی جز پیام آوران خدا نیز سخن می گویند و آیا جز پیامبران، دیگری هم می تواند فرشته را بنگرد؟ و آیا جز پیامبران خدا کسی می تواند صدای آنان را بشنود؟ برای پاسخ فراهم آوردن به این پرسشها باید به قرآن شریف بازگردیم.

1- خدا در قرآن: و اذ قالت الملائكة يا مريم ان الله اصطفىك و طهرک و... یا مريم افنتی لربک [ ...سوره ۳، آیه ۴۱. ] و فرشتگان گفتند: ای مريم خداوند تو را برگزید و پاکیزه ساخت و بر زنان جهان برتری داد. ای مريم از پروردگارت فرمان بر و در برابر او سجده کن و با نمازگزاران نماز گزار.

به صراحت این آیه ی شریفه، فرشتگان «مريم» را مخاطب ساخته و با وی سخن گفتند. آن هم ستایش آمیز و دربردارنده ی دستورات خدا، و بی تردید «مريم» نیز ندای آنان را می شنید و سخنانشان را دریافت می داشت، در غیر این صورت کاری بیهوده و بی فایده بنظر می رسید...

2- و نیز: و اذکر فی الکتاب مريم اذ انتبذت من اهلها مکانا شرقیا... فارسلنا اليها روحنا فتمثل لها بشرا سويا قال: انما انا رسول ربک لک غلاما زکيا [ ...سوره ۱۹، آیه ۲۰. ] در این کتاب «مريم» را یاد کن، آنگاه که از خاندان خویش به مکانی رو بسوی برآمدن آفتاب دوری گزید و میان خود و آنان حجابی افکند (تا جایگاه عبادت و نیایشش آماده باشد). در این هنگام ما «روح» خود را بسوی او فرستادیم؛ و او در سیمای انسانی بی عیب و نقص، بر مريم پدیدار گشت. او (سخت ترسید و) گفت: من از شر تو به خدای بخشنده پناه می برم اگر پروا پیشه ای! (وی) گفت: من فرستاده ی پروردگار تو هستم؛ (آمده ام) تا پسر پاکیزه ای به تو ارزانی دارم!

(مريم) گفت: چگونه برای من فرزندی ممکن است؟! در حالی که تا کنون انسانی با من تماس نداشته و هرگز زن آلوده ای هم نبوده ام؟!

گفت: مطلب همین است! پروردگارت فرمود: این کار برای من آسان است! (ما او را می آفرینیم تا قدرت خویش را نشان دهیم). و او را برای مردم نشانه ای می سازیم.

مفسران همه بر آنند که منظور از «روحنا» در این آیه ی شریفه «جبرئیل» است که در چهره ی یک انسان کامل و خوش سیما در برابر دیدگان «مريم» پدیدار گشته و با او سخن را آغاز نمود.

3- و نیز: و امراته قائمه فضحک فبشرناها باسحاق و من وراء اسحاق یعقوب [ ...سوره ۱۱، آیه 73-70 و زن ابراهیم که ایستاده بود خندید. فرشتگان او را به اسحاق بشارت دادند و پس از اسحاق به یعقوب. ]

این آیات نیز نشانگر آمدن فرشتگان به خانه ی ابراهیم پیامبر و آوردن بشارت و مژده ی فرزند به آن بزرگوار است. و نشانگر این حقیقت که همسر او «ساره»، با این پندار که آنان میهمان هستند از آنان پذیرایی کرد و غذا برایشان فراهم آورد و با آنان سخن گفت، همانگونه که فرشتگان با او گفتگو نمودند.

4- و نیز: و اوحینا الی ام موسی ان ارضعیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم [ .سوره ۲۸، آیه ۷ ] .به مادر موسی وحی نمودیم که کودک خود را شیر بده و آنگاه که بر جان او بیمناک شدی او را به دریا بیفکن .  
با بیان مفسران منظور از وحی در اینجا الهام است... و معنای آن چنین می شود که: «ما بر دل او چنین افکندیم. » و برخی نیز گفته اند: او را «اینگونه ندا دادیم.»  
«مناوی «در کتاب خویش از «قرطبی» آورده است که: و اژه ی «محدثون» به فتح «دال» اسم مفعول، و جمع «محدث» به مفهوم دریافت دارنده ی الهام و یا به معنای کسی است که در گمان و پندار خویش به راه ثواب می رود. چنین فردی از سوی خدا بصورت الهام و یا مکاشفه، چیزی در دلش افکنده می شود و یا اینکه بدون آنکه اندیشیده باشد سخن درستی بر زبانش جاری می گردد و یا فرشتگان بی آنکه او پیامبر خدا باشد با او سخن می گویند و یا در گمان و پندار خویش به راه درست می رود، به گونه ای می پندارد که گویی از عالم ملکوت به او الهام گشته است، به همین جهت دیدگاهش درست از کار در می آید... و این گرامیداشت خدا از بندگان شایسته ی خویش است که کرامتی است از جانب او که به آنان ارزانی می دارد و در حقیقت از مقامات رفیع و پرفراز دوستان خداست [ .شرح جامع صغیر، ج ۲، ص ۲۷۰ ] .

### منزلت والای «فاطمه

پس از نگرش بر نکاتی که گذشت دیگر برای شما خواننده ی گرامی پذیرش این واقعیت که بانوی گرانمایه ی اسلام، فاطمه علیهاالسلام «محدثه» و دریافت دارنده ی حقایق از بارگاه خدا بود، چندان دشوار نیست، چرا که مقام ارجمند دخت سرفراز پیامبر نه کمتر از «مریم» بود و نه کمتر از «ساره» و یا مادر حضرت موسی. و روشن است که «مریم» مادر «عیسی» یا «ساره» همسر ابراهیم و یا مادر موسی، پیامبر خدا نبودند و باز روشن است که «فاطمه» علیهاالسلام نیز پیامبر برگزیده ی خدا نبود.  
مرحوم «صدوق» در کتاب خویش روایتی از «زید بن علی» آورده است که می گوید: امام صادق علیه السلام می فرمود: «فاطمه» را بدان جهت «محدثه» نامیده اند که فرشتگان از آسمان فرود آمده و با او گفتگو می کردند، همانگونه که با «مریم». و همانگونه که او را ندا می داند، به فاطمه علیهاالسلام نیز ندا دادند که:  
یا فاطمه! ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساءالعالمین [ .کافی، ج ۱، ص ۱۸۲ ] .ای فاطمه! خدا تو را برگزید و پاک و پاکیزه ساخت و تو را بر همه ی زنان گیتی برتری بخشید. و نیز از امام صادق علیه السلام است که به «ابابصیر» فرمود: «... مصحف «فاطمه» نزد ماست.» مردم چه می دانند مصحف «فاطمه» چیست؟ آنگاه فرمود: مصحف «فاطمه» سه برابر قرآن است. به خدای سوگند که یک واژه از قرآن کریم در

آن نیست بلکه کران تا کران آن حقایقی است که خدا آنها را بر مادرمان فاطمه املاء و وحی فرمود [کافی، ج ۱، ص ۲۳۸]. این روایت بیانگر نکاتی است که درخور بحث و تحقیق به نظر می رسد:

1- بیان ششمین امام نور که: مصحف «فاطمه» سه برابر قرآن شریف است، منظور حجم مصحف و مطالب موجود در آن می باشد.

2- از آنجایی که قرآن شریف در نظر پیروانش از شمار آیات و سوره ها گرفته تا حجم و اندازه، کتابی شناخته شده است، به همین جهت امام صادق کتاب خدا را مقیاس قرار داده و مصحف را از نظر حجم و اندازه با آن سنجیده است.

با این مقیاس اگر قرآنی با حروف و صفحات متوسط در پانصد صفحه چاپ شود، مصحف فاطمه یک هزار و پانصد صفحه می گردد، درست سه برابر آن. و منظور امام همین است، نه اینکه کسی تصور نماید که کتاب خدا ناقص است و مصحف فاطمه علیهاالسلام در مقام کامل ساختن آن می باشد. هرگز! نه هرگز! همچنانکه منظور این نیست که خدا قرآن دیگری بر «فاطمه» فرود فرستاده است. هرگز! چرا که مدعی چنین چیزی از دیدگاه ما از دو حال خارج نیست: یا دوست نادان است و به آفت جهل گرفتار آمده و یا دروپرداز و دشمن است و در اندیشه ی دشمنی با قرآن و عترت است.

3- اما واژه ی «مصحف»، این واژه گرچه در روزگار ما در مورد قرآن شریف بکار می رود اما در فرهنگ واژه شناسان به هر کتابی می توان «مصحف» گفت و با توجه به لغت، کتاب فاطمه علیهاالسلام را «مصحف» نامیده اند.

برای نمونه «مختار الصحاح» در مورد واژه ی «مصحف» می گوید:

«مصحف» بضم میم و کسر آن به مفهوم چیزی است که صفحاتی را در برداشته باشد.

المنجد می نویسد: «مصحف» و «مصحف» که جمع آن مصاحف می باشد، صفحاتی است که دارای دو جلد دوخته شده باشد.

«صراح اللغه»: «مصحف» به کسر و ضم میم، به مفهوم کتابچه می باشد. و «فراء» تصریح می کند که «ضمه» را در برخی از حرفها سنگین دانسته اند و به همین دلیل «میم» را کسره می دهند... به هر حال «مصحف» از «اصحف» گرفته شده و به چیزی که جامع صفحات است گفته می شود.

مصباح المنیر: «صحیفه» قطعه پوست یا کاغذی را می گویند که در آن چیزی نوشته شده است و جمع آن «صحف» بضم صاد و حاء و نیز صحائف آمده است. و «مصحف» بضم میم مشهورتر از کسر است.

اقرب الموارد: «مصحف» اسم مفعول می باشد و به چیزی گفته می شود که دارای صفحاتی است و میان دو جلد قرار دارد. این واژه به دو نوع دیگر آمده است. به کسر میم و به فتح میم که جمع آن «مصاحف» است.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

لسان العرب: «مصحف» و «مصحف» چیزی است که صفحات نوشته شده ای که میان دو جلد را در بر می گیرد و به کسر و فتح میم نیز آمده است. و اینک به روایتی که معنا و مفهوم واژه «مصحف» و حقیقت آن را بطور روشنی بیان می کند، نظر می افکنیم:

مرحوم مجلسی در کتاب خویش آورده است که:

یکی از یاران امام صادق از او در مورد مصحف «فاطمه» سوال کرد...

آن حضرت پس از سکوتی عمیق فرمود: شما هرچه می خواهید و نمی خواهید می پرسید و جستجوگرانه همه چیز را می جوئید.

آنگاه افزود: دخت گرانمایه ی پیامبر پس از رحلت پیامبر هفتاد و پنج روز در این جهان زیست و در این مدت در سوگ پدر سخت اندوه زده بود. فرشته ی امین در راه آرامش بخشیدن به آن حضرت در سوگ پدرش فرود می آمد و ضمن تسلیت به او از مقام والای پیامبر و رویدادهای پس از او پرده برمی داشت و امیر مومنان آنچه فرشته ی وحی بر «فاطمه» حدیث می نمود، همه را می نوشت و اینها بود که «مصحف «فاطمه»» را تشکیل داد [بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۵، کافی، ج ۱، ص « 241. حسین بن ابی علاء» از حضرت صادق علیه السلام آورده است که فرمود:

«مصحف «فاطمه»» هرگز همانند قرآن نیست اما در آن، آنچه که مردم را به ما و دانش ما نیازمند می کند و ما را از مردم بی نیاز می سازد، وجود دارد حتی حکم یک تازیانه یا ۱/۲ یا ۱/۴ آن و دیه ی خراش [ ... کافی، ج ۲، ص ۲۴۰. ] و در روایت دیگری فرمود:

اما «مصحف «فاطمه»» کتابی است که همه ی رویدادها و نام تمام کسانی که تا روز رستاخیز زمام امور مردم را بدست می گیرند، همه و همه در آن مانده است.

### منظور از وحی

اینک باید دید منظور از پدیده ی وحی در مورد بانوی بانوان چیست؟ آنچه از قرآن دریافت می گردد این است که: «وحی» الهی ویژه ی پیامبران نیست و خدا به غیر آنان نیز وحی فرموده است. برای نمونه:

### به آسمانها

گاه وحی به معنای فرمان تکوینی است:

ففضیهن سبع سموات فی یومین و اوحی فی کل سماء امرها [سوره ۴۱، آیه ۱۰] [پس آفریدگار هستی، هفت آسمان را در دو روز مرحله پدید آورد و بر هر آسمانی کار و فرمان ویژه ی او را وحی فرمود «].

### به حوارین



کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

گاه وحی در قرآن شریف به مفهوم دستور و فرمان تشریحی آمده است: و اذا وحیت الی الحواریین ان آمنو بی و برسولی [ .سوره ۵، آیه ۱۱۱. ] و به یاد آر هنگامی که به حواریون دستور دادیم که به من و پیامبرم ایمان بیاورید.

### وحی به فرشتگان

گاه وحی در مورد فرشتگان آمده است:

اذ یوحی ربک الملائکة انی معکم فثبتوا الذین آمنو [ .سوره ۸، آیه ۱۲. ] بیاد آور آنگاه را که پروردگارت به فرشتگان وحی فرمود: که من با شما هستم، پس مومنان را استواری و ثبات قدم بخشید.

### به زنبور عسل

و حی در مورد زنبور عسل نیز بکار رفته است: و اوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا [ .سوره ۱۶: آیه ۶۸ ] و پروردگارت به زنبور عسل وحی فرمود که: از کوهها خانه هایی برای خویش بساز.

### به مادر موسی

در قرآن وحی به یک بانوی بافضیلت نیز بکار رفته است که به مفهوم الهام قلبی است: و اوحینا الی ام موسی ان ارضعیه [ .سوره ۲۸، آیه ۶. ] به مادر موسی وحی کردیم که: به او شیر بده... و می فرماید: از اوحینا الی امک ما یوحی [ .سوره ۲۰، آیه ۳۹. ] هنگامی که به مادرت آنچه را که می بایست وحی کردیم. این آیات نشانگر این واقعیت است که پدیده ی وحی، اختصاص به پیامبران و انسانها ندارد بلکه به آسمانها، حواریون، فرشتگان، زنبورعسل، و مادر موسی نیز وحی شده است. با این بیان پذیرش این حقیقت که؛ خدای جهان آفرین به «فاطمه» دخت سرفراز پیامبر و سالار زنان گیتی، وحی فرموده است، کار دشواری نیست، چرا که وحی را همانگونه که در مورد مادر موسی معنا کردیم در مورد سالار زنان نیز می توانیم معنا کنیم.

### مصحف فاطمه

و در پایان این بحث خاطرنشان می گردد که «مصحف «فاطمه» کتاب بزرگی است که همه ی احکام و مقررات دینی در آن بصورت گسترده ای ترسیم شده است. همه ی مقررات از جمله قوانین کیفری در آن آمده است. حتی گناهایی که کیفر آنها یک تازیانه یا ۱/۲ و یا ۱/۴ تازیانه است و نیز کیفر خراش وارد آوردن بر پیکر دیگری. و نیز نام و نشان زمامدارانی که از زمان فاطمه علیهاالسلام تا همیشه در کشورها، زمام امور را بدست می گیرند و نیز حوادث و رخدادها و کشتارهایی که در جهان رخ خواهد گشود.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

روشن است که همه ی اینها از علم الهی سرچشمه گرفته است، که به هر حال هر کدام از بندگان خویش آگاه است و بر همه چیز بیناست و احاطه دارد.

با این بیان در «مصحف «فاطمه»» چیزی از آیات قرآن نیست.

گفتنی است که طولانی شدن سخن در این مورد بدان خاطر بود که برخی از کوردلان و بیماران روحی این روایات را ابزار و میدان مناسبی برای سمپاشی و بدگویی و هرزه درانی بر ضد شیعه و پیروان مذهب خاندان رسالت یافته اند چنانکه گویی به قرآن ننگریسته و آیاتی را که گذشت ندیده و یا نفهمیده اند که؛ وحی تنها از آن پیامبران نیست و به زنبور عسل نیز وحی شده است و نباید با این بهانه از در هوچی گری و فریب وارد شوند و شیعه را مورد تاخت و تاز قرار دهند که چرا از «مصحف «فاطمه»» سخن گفته است. به هر حال این حقیقت مطلب است و حساب بداندیشان و بدگویان نیز در روز حساب با خداست.

## زهراء

پیامبر گرامی در مورد آفرینش نوری فاطمه از جمله فرمود:

آفریدگار هستی نور فاطمه را بسان مشعلی فروزان آفرید و آن را بر کنگره های عرش آویخت و آنگاه بود که آسمانها و زمین های هفتگانه به نور فاطمه نورباران گردید و به همین جهت او «زهراء» نامیده شد [بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷] . [ابن عباس] آورده است که پیامبر گرامی فرمود: و اما ابنتی «فاطمه» فانها سیده نساءالعالمین من الاولین و الاخرین و هی بضعة منی و هی نور عینی و هی ثمره فوادی و هی روحی... و هی الحورا الانسیه [بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۷۳] . اما دخت ارجمندم «فاطمه»، سالار زنان گیتی در همه ی عصرها و نسلهاست. او پاره ی تن من، نور دیده، میوه ی دل و روح من است که در سازمان وجودم قرار دارد. او حوریه ای است در سیمای انسان که هرگاه در محراب عبادت در برابر پروردگارش قرار می گیرد ، نور وجودش برای فرشتگان می درخشد، درست همانگونه که ستارگان برای زمینیان نورافشانی می کنند .» با دقت در این روایت ضمن آگاهی از شکوه و عظمت بانوی بانوان، با دلیل نامگذاری او به نام مقدس «زهراء» نیز آشنا می شویم.

در این مورد روایت دیگری نیز رسیده است که دلیل این نام مقدس او را چهره ی نورانی و درخشنده و پرتللو او عنوان می کند که برای پرهیز از گستردگی بحث به همین اندازه بسنده می شود.

فاطمه علیهاالسلام نامهای مقدس دیگری نیز جز آنچه گذشت دارد که هر کدام از آنها نمایشگر بعدی از ابعاد معنوی و علمی و اجتماعی اوست. نامهایی چون:

«بتول»، «عذرا» و «حانیه» که به مفهوم پرمهر و دلسوز به فرزندان خویش است و دارای کنیه های متعددی است که معروف ترین آنها «ام ابیها» می باشد.

## بتول

آفریدگار توانای هستی برای آفریده های خویش، از جماد و نبات و گیاه گرفته تا حیوان و انسان، قوانین و سنت ها و مقررات ویژه ای، مقرر ساخته و همه ی پدیده های آفرینش را در برابر آن قوانین فرمانبردار و خاضع قرار داده است.

برای نمونه:

1- طبیعت آتش به خواست آفریدگارش سوزانیدن است و تحت آن شرایط و مقررات می سوزاند و این سنت خدا در آتش است.

2- نبات و گیاه برای رشد و میوه دادن و به ثمر نشستن نیاز به شرایط و مکان و موقعیت ویژه ای دارند که در آن شرایط به میوه می نشینند.

شما دانه ای را که در دل زمین می افشانید و نیز عواملی را که در رویش و رشد و تکامل آن موثرند و همچنین عنصر زمان را که برای رشد آن لازم است در نظر بگیرید، همه ی اینها قوانین و مقررات خدا در جهان نبات و گیاه است.

3- حیوانات نیز به اراده ی آفریدگارشان در برابر قوانین و مقررات خاصی از حجم و رنگ گرفته تا همانند آنها، خاضع و فرمانبردارند.

4- و انسان نیز از این سنت الهی فراتر نیست به همین جهت در برابر قوانین و مقررات جهان آفرینش و طبیعت و سرشت جسمی و روحی و روانی خویش خاضع و فرمانبردار است. اما خدای توانا دوستان خاص و برگزیده ی خویش را در پرتو فرزادگی و حکمت رسای خود در شرایط ویژه ای برتر و والاتر از آن قوانین و سنتها قرار داده و همه ی پدیده ها را به اراده ی خویش فرمانبردار و مطیع آنان می سازد.

به نوان مثال:

شما آتش را می نگرید که در شرایط خاص خویش به هرچه برسد آن را می سوزاند اما همین آتش در برابر «ابراهیم خلیل» فرمانبردار است و نه تنها او را طعمه ی خویش نمی سازد که بر او سرد و آرامش بخش نیز می شود و سلامت او را هم تضمین می نماید.

یا در رویداد بهت آور و فوق طبیعی «یونس» پیامبر می نگریم که پس از آنکه او از دهان نهنگ به بیابان پرتاب می گردد، خداوند بوته ی کدویی در کنارش می رویاند. و با اینکه می دانیم دانه ی کدو برای روئیدن و برگ نمودن به گونه ای که برگهایش پیکر انسان را بیوشاند، نیاز به زمان طولانی دارد و این سنت خدا در جهان نبات است. اما این گیاه در برابر دوست خدا و پیامبرش «یونس» خاضع است و به اراده ی آفریدگارش به میل پیامبر او عمل می کند. و نیز می دانیم که تولید مثل، جز از راه ازدواج و آمیزش زن و مرد و انتقال نطفه از مرد به رحم زن، نشاید و تازه پس از انتقال آن نیز باید بتدریج و بر اساس ده ها و صدها ریزه کاری

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

و سنن و مقررات شگرف، «نطفه» به «علقه» تبدیل گردد و «علقه» به «مضغه» و آنگاه استخوانها پدید آیند و جنین بطور عادی از شش ماه تا نه ماه راه کمال پوید.

آری این سنت حکیمانه ی خدا در تولیدمثل است اما همین سنت در برابر «مریم»، آن دخت پاک و سرفراز خاضع می گردد و او بدون تماس با انسانی به فرزندش «مسیح» باردار می شود، به سرعت درد زایمانش از راه می رسد و به شاخه ی درخت خرما پناه می برد و پس از ساعاتی چند، کودک خویش را به دنیا می آورد [ مجمع البیان، ذیل آیات سوره مریم .

### پیامبران و پدیده ی اعجاز

معجزاتی که از راه فوق عادی بدست پیامبران خدا و به اراده ی آنان پدیدار می گشت نیز به همین صورت بود، که نمونه های آن کران تا کران قرآن موجود است و شما خواننده ی گرامی می توانید به بسیاری از سرگذشت های پیامبران و جانشینان آنان که سنت ها و مقررات طبیعی را، خداوند رام و فرمانبردار آنان ساخته است، در آیات شریفه ی قرآن بنگرید. که ما برای نمونه به چند مورد به صورت فشرده می نگریم:

1-هبوط «آدم» از بهشت به زمین

2-فوران و جوشیدن آب از تنور در داستان «نوح»

3-باردار شدن بانو «ساره» همسر «ابراهیم خلیل» به فرزندش «اسحاق» در حالی که زنی پیر و نازا و از کار افتاده بود.

4-تبدیل عصا به مار بزرگ در بعثت حضرت «موسی».

5-شفا یافتن کور و نابینای مادر زاد و بیماری پیس و زنده شدن مردگان در داستان حضرت «مسیح»

6-سیرآسمانی پیامبر یا داستان معراج. و دیگر رخدادها و ماجراهای بسیاری که در قرآن موجود است و نمایشگر این واقعیت که خداوند سنت ها و قوانین طبیعی خویش را به هنگامی که بخواهد رام و مسخر و منقاد دوستان خویش می سازد و آنان بطور فوق طبیعی عمل می کنند...

### عذراء

در صفحات گذشته خاطر نشان گردید که یکی از نامهای گرانمایه ی فاطمه علیهاالسلام «عذراء» می باشد. او بدین جهت به این نام خوانده می شد که همیشه «باکره» بود.

در گذشته، روایات فراوانی آوردیم که بیانگر این حقیقت بود که آفرینش و نطفه ی پاک و پاکیزه فاطمه علیهاالسلام از عصاره و خلاصه ی ارمغان آسمانی و غذای بهشتی بود و پیامبر نیز بارها فرمود که: «او حوریه ای است در چهره ی انسان». روشن است که بیان پیامبر نه ذره ای اغراق آمیز است و نه دور از حقیقت بلکه عین واقعیت است.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

افزون بر روایات، باید به این آیه ی قرآن اندیشید که حوریان بهشت را که فاطمه علیهاالسلام سالار آنان می باشد اینگونه وصف می کند:

انا انشاءنا هن انشاء فجعلنا هن ابکارا [ «سوره ۵۵، آیه ۳۵ ] . ما حوریان بهشتی را آنگونه که می بایست پدید آوردیم و آنان را دوشیزگان قرار دادیم . مفهوم این بیان این است که؛ آنان همیشه باکره اند . در تفسیر مجمع البیان ذیل این آیه ی شریفه می نویسد: هرگاه شوهرانشان با آنان آمیزش نمایند آنها را «باکره» خواهند یافت .

در این مورد روایتی است که از امام صادق علیه السلام می پرسند:

ای پسر پیامبر! چگونه حوریه در هر مرتبه ای که شوی وی با او آمیزش نماید او را «باکره» خواهد یافت؟ حضرت فرمود: بدان جهت است که حوریه از ماده و واقعیت پاک و پاکیزه پدید آمده است و هیچ گونه نقص و عیبی به او وارد نمی گردد. پیکرش با آفتی آمیخته نمی شود و هرگز دچار «حیض» نمی شود و رحم او همواره چسبیده است. و بانوی بانوان گیتی نیز که نطفه اش از ارمان آسمانی و غذا و میوه ی بهشتی است. هم از عادت ماهانه ی زنان پاک و پاکیزه است و هم همواره سالم و پاک و پاکیزه. و این مفهوم نام مبارک «عذراء» می باشد که یکی از نامهای اوست.

### زندگی و مراحل رشد بانوی بانوان

سرانجام با آن تدابیر شگرف دستگاه حکیمانه ی آفرینش، دخت سرفراز پیامبر فاطمه دیده به روی زندگی و پدر گرانمایه اش گشود و جهان را به نور وجودش نورباران ساخت.

او از مادر گرانقدری بسان «خدیجه»، شیری آمیخته با ارزشها و فضیلتها و کمالات نوشید و در خانه ی وحی و فرودگاه قرآن راه رشد و کمال را آغاز کرد و آن را با سرعتی شگرف تا پرفرازترین قله و نقطه اش، پیمود.

پدر گرانقدرش علوم الهی و دانش های آسمانی را به او می آموخت و او را از مفاهیم و معارف ربانی سرشار می ساخت و شایسته ترین درسهای توحید گرایی و برترین دانش های ایمان و یقین و تقوا و زیباترین و پرجاذبه ترین واقعیت ها را که از وحی و رسالت سرچشمه می گرفت به دخت فرزانه اش می آموخت و او را با بهترین و بایسته ترین شیوه ی تربیتی می پروراند، چرا که پیامبر گرامی دخت نمونه و فرزانه ی خویش را برای پذیرش دانش ها آماده می دید و در کران تا کران جان پاک او روشنی و نورانیت وصف ناپذیری احساس می کرد و آن وجود گرانمایه را در پیمودن پله های صعود و درجات تکامل و ترقیات معنوی و انسانی در اوج آمادگی می یافت.

### در میان امکانات معنوی و رنجها

در کنار این همه امکانات رشد و عوامل شخصیت ساز و اوج دهنده، حکمت الهی نیز بر آن قرار گرفت که زندگی بانوی بانوان را آغاز کودکی آمیخته به سختی ها و رنجها و مشکلات فراوان باشد. به همین جهت هنگامی که دیده به روی زندگی گشود، پدر گرانبه اش را ترسان یافت. در حالی پدر را دید که نزدیکان و بیگانگان به جنگ او برخاسته و بیدادگران و شرک گرایان با او سر ستیز داشتند.

چه بسیار می شد که این دخت سرفراز در دوران کودکی اش وارد کعبه و مسجدالحرام می شد و پدر پرمهر خویش را می دید که در «حجر اسماعیل» نشسته و قرآن را تلاوت می کند اما برخی شقاوت پیشگان بجای شنیدن حق و گزینش عدل، به دشمنی با او برخاسته و به جنگ روانی با او دست می زند و او را آماج اذیت و آزار می نمایند.

روزی وارد مسجد گردید و دید که یکی از شرک گرایان به هنگامی که پدر گراندردش در حال سجده بود بچه دان شتری را بر پشت و لباس آن حضرت خالی کرد، آن فرزانه ی روزگار با تماشای این صحنه تاسفبار قهرمانانه پیش رفت و با دستان کوچک خویش لباس پدر را پاک کرد و به آن گستاخان گمراه، شجاعانه پرخاش کرد و عمل زشت و ناجوانمردانه ی آنان را محکوم ساخت و آنان را به باد نکوهش گرفت اما آن فرومایگان بر او و سخنان آتشین و شجاعانه اش خندیدند، تا روحیه او را نیز در هم شکنند.

از «ابن عباس» آورده اند که:

روزی «قریش» در کنار «حجرالاسود» گرد آمده و در کنار بتهای خویش «لات» و «عزی» «دست پیمان فشردند که اگر محمد را دیدند همگی دست در دست هم او را مورد یورش قرار داده و آن گرانبه ی جهان هستی را از میان بردارند.

این پیمان ظالمانه و تصمیم شرربار به گوش دخت فرزانه ی پیامبر رسید و او به سرعت با چشمان گریان بر پیامبر وارد شد و جریان را با آن حضرت در میان نهاد...

سرانجام بحران بالا گرفت و گرفتاری ها و مشکلات افزون گشت تا جایی که پیامبر گرامی ناگزیر گردید به همراه یاران و بستگان خویش در «شعب ابی طالب» پناه گیرد. آن حضرت به همراه دوستان و بستگان در آن دره ی خشک و سوزان در جوی آکنده از بیم و وحشت زندگی را شروع کردند و در هر شب تاری آماده ی هجوم دشمن خیره سر بدانجا بودند بویژه آنگاه که شرک گرایان تجاوزکار آن قطعنامه ی ضد بشری را تنظیم نمودند و «بنی هاشم» را در محاصره ی اقتصادی قرار دادند و دیگر نه به آنان کالایی می فروختند و نه مواد حیاتی. و نه اجازه می داند که مواد غذایی و حیاتی و مورد نیاز، به آن منطقه برسد.

در آن شرایط سخت بود که گرسنگی همه جا سایه افکنده و همه ی ساکنان آنجا بویژه کودکان را بیشتر زیر فشار خود گرفت به گونه ای که صدای ضجه ی کودکان از فشار گرسنگی به گوش مردم مکه می رسید،

برخی اندوهگین می شدند اما تجاوزکاران و ظالمان شادمانی می نمودند و بدانها ناسزا نثار می کردند و بر شقاوت و بی رحمی خویش می بالیدند.

آری این محاصره ی اقتصادی سه سال و چند ماه ادامه یافت و دخت سرفراز پیامبر در کودکی خویش از قهرمانی از قهرمانانی بود که طعم این فشارها را چشید و روح جهاد و تلاش و ایمان و پایداری و مقاومت و ایستادگی در راه حق و عدالت را در کران تا کران وجودش زنده تر و پرطراوت تر ساخت، تو گویی این دوران محاصره و سختی، دوران تمرین و دانشگاه آمادگی و آزمون روزگار برای آینده ی زندگی پرفراز و نشیب او بشمار می آید.

### تصمیم تاریخ ساز فاطمه

پس از خواستگاری امیر مومنان پیامبر فرمود: علی جان! واقعیت این است که پیش از تو بسیاری دیگر به خواستگاری «فاطمه» آمده اند و من تقاضای آنان را با او در میان نهاده ام اما در چهره ی تابناکش به روشنی آثار نارضایتی و عدم موافقت را خوانده ام، اینک شما باش تا برگردم.

پیامبر برخاست و نزد دخت یگانه و بی همتای خویش آمد و تقاضای امیر مومنان و دعوت او برای زندگی مشترک با «فاطمه» را، با او در میان گذاشت و به انتظار پاسخ نشسته بود.

در چنین شرایطی، گاه پدر خیرخواه و دلسوز ناگزیر می گردد که ویژگیهای اخلاقی و انسانی خواستگار، سن و سال و شرایط جسمی، شغل و دیگر خصوصیات او را برای دخترش در صورتی که آشنا نباشد روشن سازد تا دخترش از روی بینش و آگاهی و دانایی تصمیم به ازدواج بگیرد اما در مورد خواستگاری علی علیه السلام از «فاطمه» نیاز به این مراحل نبود، چرا که علی چهره ای شناخته شده تر از آن داشت که نیاز به معرفی داشته باشد و خود دخت فرزانه ی پیامبر او را به شایستگی می شناخت و از سابقه ی درخشان و ویژگیهای اخلاقی و کمالات انسانی و درایت و جوانمردی او آگاه بود. به همین جهت هم، پیامبر گرامی به همین بسنده کرد که بگوید: «فاطمه» جان! «علی» کسی است که خویشاوندی و برتری و پیشتازی اش در اسلام برایت روشن است و من از پروردگار خویش همواره خواسته ام که شایسته ترین و محبوب ترین انسانها را به همسری تو برگزیند و اینک این «علی» است که خواهان توست، نظرت در مورد پیشنهاد او چیست؟ فاطمه سخنان پیامبر را تا آخرین واژه به دقت شنید و بجای پاسخ صریح، سکوت پرمعنا را برگزید بی آنکه علائم و نشانه های نارضایتی و عدم موافقت از خود نشان دهد.

پیامبر به دقت بر سیمای دخترش نگریست و نه تنها آثار نارضایتی ندید که از سیمای پرشکوه او شوق و رغبت پیوند با علی علیه السلام را خواند. اینجا بود که برخاست و فرمود: الله اکبر... سکوت ها اقرارها

## یک ازدواج نمونه

پیامبر گرامی سکوت دخت گرانمایه خویش را موافقت او با این پیشنهاد ارزیابی کرد، چرا که از دختر جوان و سراپا عفاف و قداست و حیایی چون «فاطمه» نباید انتظار پاسخ صریح داشت. اگر او با این پیوند موافق نبود علائم نارضایتی خویش را بگونه ای مدبرانه و شایسته نشان می داد و یا به صراحت اعلان مخالفت می کرد، چرا که مخالفت صریح مانعی با حیاء ندارد، در صورتی که موافقت صریح چرا...  
به هر حال پیامبر نزد امیر مومنان بازگشت و موافقت دخترش را به اطلاع او رسانید و آنگاه در مورد آمادگی امیر مومنان، با او به گفتگو نشست، چرا که می بایست مسئله ی «مهر» مشخص شود. به علاوه ازدواج دختر پیامبر با برترین و والاترین تربیت یافته ی مکتب و راه و رسم انسانسازش علی، یک ازدواج نمونه و یک الگوی همیشه است که بی تردید در همه ی قرنهای و نسلها جلوه های خاص خواهد داشت. از این رو می بایست همه ی جنبه های آن در نظر گرفته شود و با اینکه باید در نهایت سادگی و سهولت و شایستگی انجام پذیرد در همان حال باید از هر نوع سستی و بی برنامه گی اجتناب شود.

## صفا و راستی خالص و صدها درس دیگر

با توجه به این نکات بود که پیامبر گرامی رو به امیر مومنان کرد و فرمود: آیا چیزی از امکانات مالی و اقتصادی برای ازدواج در اختیار دارد؟ آن حضرت پاسخ داد: پدر و مادرم فدایت باد! به خدای سوگند شرایط اقتصادی من بر شما پوشیده نیست. همه ی ثروت من در حال حاضر یک شمشیر ستم سوز است و یک زره برای جهاد و یک شتر آبکش برای کسب و کار.

آری! این دارایی علی علیه السلام است و این تمامی امکانات مالی و اقتصادی اوست که می خواهد با دخت یگانه ی پیامبر پیمان زندگی ببندد.

پیامبر گرامی در برابر صداقت و جوانمردی وصف ناپذیر امیر مومنان در اوج کرامت و بزرگواری فرمود: علی جان! اما در مورد شمشیرت نظرم این است که شما به او نیازمندی تا بوسیله ی آن در راه خدا و دفاع از حقوق و امنیت انسانها به جهاد برخیزی و دشمنان تجاوز کار خدا را سر جایشان بنشانی. در مورد شترت نیز نظرم این است که آن هم وسیله ی کار و درآمد توست. بوسیله ی آن، هم نخلستانت را آب می دهی و برای خانواده ات هزینه ی زندگی فراهم می آوری و هم زاد و توشه ی سفرت را جابجا می نمایی. اما من دخت فرزانه ام را به ازدواج تو در خواهم آورد و در برابر این پیمان برای زندگی مشترک و به نشان صفا و صداقت، اینک زره ات را بفروش و پول آن را بیاور تا ترتیب این کار را بدهم.

این زره را امیر مومنان در پیکار «بدر» بدست آورده بود و به هنگام تقسیم غنایم نیز دخت گرانمایه ی پیامبر در آستانه ی ازدواج پیامبر آن را به آن حضرت عنایت فرموده و به زره «حطمیه» معروف بود، چرا که هر شمشیری به آن برخورد می کرد در هم می شکست.



امیر مومنان به دستور پیامبر به بازار شتافت و زره مورد اشاره را به حدود پانصد درهم فروخت و پول آن را به پیشوای بزرگ توحید و آزادی تقدیم داشت و مقرر گردید که این پول، «مهر» برترین و والاترین بانوی جهان هستی، سالار زنان گیتی و دخت فرزانه ی سالار پیام آوران خدا، محسوب گردد.

پیامبر گرامی بدینسان و با این مقدمات، دخت نمونه ی خویش را به ازدواج امیر مومنان درآورد و با همین سادگی و سهولت و بزرگمنشی این پیوند پرشکوه انجام پذیرفت تا زنجیرهای گران اوهام و خرافات و تقلیدهای احمقانه ای که بر دست و پای مردم پیچیده شده بود، همه را درهم نوردد و مردم که در مقام و منزلت علمی و عقیدتی و معنوی هرگز با این خاندان شکوهار قابل مقایسه نیستند، از شیوه ی انسانی و آزادمنشانه ی آنان پیروی کنند. پیامبر دخت گرانمایه اش را که سالار زنان گیتی بود با مهریه ای اندک به عقد شهسوار اسلام درآورد تا دختران آزاده و روشنفکر و اندیشمند مسلمان، خویشان را از این قید و بندها و آداب و رسوم غلط و مهریه های سنگین و تشریفات کمرشکن رها سازند و از ازدواج سهل و آسان و بر اساس صفا و عشق پاک و وفا سرباز نزنند. آری پیامبر علاوه بر آنچه رفت ده ها و صدها درس دیگر برای زندگی داد که اینک از آنها می گذریم.

### در آسمانها

آری برنامه ی این پیوند پرشکوه و پرمعنویت در مدینه و در فرودگاه وحی و رسالت به همین صفا و سادگی تنظیم گردید، اما خدای جهان آفرین حرمت و کرامت بانوی بانوان را سخت پاسخ داشت و پیش از آنکه پدر گرانمایه اش او را به ازدواج علی علیه السلام درآورد، او در اوج آسمانها به امیر مومنان تزویج فرمود.

این مسئله نباید شگفت انگیز بنظر برسد، چرا که این کار بی سابقه نیست. خداوند بانوی باایمانی چون «زینب» را که از نظر مقام و منزلت هرگز به پای دخت فرزانه ی پیامبر «فاطمه» علیهاالسلام نمی رسید، تکریم کرد و در آسمانها او را به عقد پیامبر خویش درآورد. و نیز بانوی باایمانی را که سخت شیفته ی معنویت و شکوه پیامبر بود و خویشان را به آن حضرت بخشیده بود، خداوند او را به پیامبرش تزویج کرد.

با این بیان چه مانعی به نظر می رسد که برای پیوند امیر مومنان و فاطمه علیهاالسلام نیز همانگونه که انبوه روایات نشانگر آن است، مجلس شکوهاری در آسمانها برگزار شود و فرشتگان گرانمایه در آن گرد آیند؟ آری این همه شکوه بخاطر دخت گرانمایه ی پیامبر و پدر گرانقدر و شوی والامقام و فرزندان ارجمند اوست که بزودی دیده به جهان خواهند گشود و پیشوایان آزادی و حجت های خدا بر تمامی بندگان او خواهند بود.

به هر حال روایات نشانگر آن است که بخاطر گرامیداشت این پیوند مقدس و پرمعنویت، محفل پرشکوه عقدی در آسمان چهارم و در «بیت المعمور» برگزار گردید. این محفل از چنان شکوه و عظمتی برخوردار بود که در کران تا کران هستی تک و بی نظیر بود، چرا که تمامی فرشتگان آسمانها به فرمان خدا در آسمان

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

چهارم گرد آمدند و جایگاهی از نور نصب شد. آنگاه خداوند به فرشته ای از فرشتگان بلندمرتبه اش به نام «راحیل»، که خوش بیان ترین و خوش سخن ترین آنهاست، فرمان داد تا بر آن جایگاه شکوهبار کرامت صعود کند و پس از ستایش شایسته و بایسته ی خدا لب به سخن گشاید و خبر پیوند مقدس و پرمعنویت فاطمه و امیر مومنان را به آگاهی همگان برساند و عقد آن دو فرزانه ی جهان هستی را بخواند.

از این رو آن فرشته ی گرانبایه به فرمان خدا بر بالای منبر رفت و چنین گفت:

ستایش از آن خداوندی است که پیش از تمامی پدیده ها و آفریده های خویش وجود داشته و پس از پایان عمر همه ی موجودات نیز باقی و جاودانه خواهد بود. او را ستایش می کنیم که ما را فرشتگان روحانی و معنوی آفرید. به پروردگاری او با همه ی وجود اقرار و اعتراف می نمایم و بر نعمت های بی پایانش بر خود، او را سپاس می گذاریم، چرا که اوست که حرص و شهوات را از ما دور ساخت و تلاش و کوشش ما را در ستایش و بندگی و تقدیس خویش قرار داد.

او را سپاس می گوئیم که گستراننده ی مهر و رحمت و ارزانی دارنده ی نعمت است. آن خدایی که از کفر و شرک مشرکان و کافران پاک و منزّه است و از بافته های دروغ پردازان برتر و بالاتر و والاتر است. آنگاه افزود:

هان ای فرشتگان و ای آسمانیان!

خدای بی همتا که فرمانروای جهان هستی است، اینک برگزیده ی کرامت و بنده ی پرشکوه خویش «علی» را برای «فاطمه» سالار زنان گیتی و دخت فرزانه ی برترین پیام آوران و سالار فرستادگان و سفیران و پیشوای پرواپیشگان برگزید و بدینسان حلقه ی ارتباطی نبوت را به ریسمان مردی از خاندانش که یار و یاور همیشه و تصدیق کننده ی راستین و پیشتاز و پراخلاص در دین و آیین بود پیوند داد. آری اینک این علی است که به افتخار وصال «فاطمه ی بتول» دخت بی همتای جهان هستی نائل آمده است.

آنگاه پس از این، فرشته ی با عظمت خدا، جبرئیل پیام آفریدگار هستی را در محفل و مجلس عقد «فاطمه»، در آسمان چهارم، بدینصورت قرائت کرد:

«ستایش از آن من و شکوه و عظمت، ویژه ی من خواهد بود و مردمان همگی بندگان و آفریده من هستند. اینک من بنده ی شایسته ی خویش «فاطمه» را به عقد برگزیده ی بندگانم «علی» درآوردم. هان ای فرشتگان همگی گواه باشید «لازم به یادآوری است که این روایت را گروهی از دانشمندان اهل سنت نیز روایت کرده اند که از جمله ی آنان، صاحب کتاب «نزهة المجالس» به نقل از «جابر بن عبدالله انصاری» آورده است که:

«ام ایمن» (که بانوی بهشتی و باایمانی بود) بر پیامبر وارد شد در حالی که گریه می کرد. پیامبر از علت گریه ی او جويا شد که گفت: مردی از انصار دخترش را شوهر داده و در عروسی او بر سر دخترش شکر و

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

بادام افشانده است و من با دیدن تشریفات آنها به یاد مراسم پرفصفا و ساده و پرمعنویت عقد «فاطمه» افتادم که شما چیزی بر سرش نیفشانید.

پیامبر گرامی فرمود: سوگند به خدایی که مرا به رسالت برانگیخت، هنگامی که خدا «فاطمه» را به عقد «علی» درآورد به فرشتگان مقرب خویش فرمان داد تا بر گرد عرش او گرد آیند و همه ی آنها، که «جبرئیل» و «میکائیل» و «اسرافیل» نیز در میان آنها بودند گرد آمدند. آنگاه به پرندهگان دستور داد به نغمه سرایی بپردازند و به درخت «طوبی» فرمان رسید که مروارید تازه و لولو شفاف و در سفید و زبرجد و یاقوت سرخ بر آنها بپراکند.

در روایت دیگری آمده است که: محفل پرشکوه عقد «فاطمه» و «علی» در شب معراج و در کنار «سدره المنتهی» برگزار گردید و آن شب خدا به «سدره المنتهی» فرمان داد که: آنچه داری بیافشان و نثار نما! و آن هم به فرمانبرداری از خدا بارانی از در و گوهر و مرجان ببارانید.

«حافظ ابونعیم» در کتاب خویش به نقل از «عبدالله بن مسعود» آورده است که.:

..آنگاه خداوند به درخت بهشتی دستور داد تا زر و زیور و جواهرات و حله های پرشکوه را گرد آورد و همه را بر فرشتگان نثار کند. آن روز هر کدام از فرشتگان بیشتر از دیگران برمی داشت تا روز رستاخیز بر آن مباحث کند.

این روایت را گروهی دیگر از دانشمندان اهل سنت از جمله:

«خوارزمی» در «مقتل الحسین»، «عسقلانی» در «لسان المیزان»، و نیز در «تهذیب التهذیب»، و «قندوزی» در «ینابیع الموده»، روایت کرده اند. و نیز «نزهة المجالس» از «انس بن مالک» آورده است که:

روزی به همراه پیامبر گرامی در مسجد بودیم که آن حضرت خطاب به علی علیه السلام فرمود:

«این فرشته ی وحی است برایم پیام آورده است که خدا «فاطمه» را به ازداج تو درآورده و چهل هزار فرشته را گواه عقد گرفته و به درخت «طوبی» وحی فرموده است که بر آنان در و یاقوت و زیور و جواهرات بپراکند...این روایت را دانشمندان اهل سنت «سیوطی» نیز در کتاب خویش «تحذیر الخواص» آورده است.

### وه چقدر زیبا و پرشکوه!!

آری پس از فراهم آمدن مقدمات کار، پیشوای بزرگ توحید وارد مسجد شد و بر فراز منبر قرار گرفت و در حالی که مسلمانان را گواه این پیوند ملکوتی و معنوی و شکوهمند ساخته بود، صیغه ی عقد را خواند. بدینوسیله به پیروانش آموخت که عقد ازدواج را اینگونه آشکار و بافتخار اعلان کنند و مهریه را روشن سازد و در همه ی مراحل، سادگی و سهولت و صفا و تعادل و توازن را اساس کار قرار دهند و از افراط تفریط بپرهیزند... و فرمود: «لا تغالوا فی الصداق فتکون عداوة» «در مهریه زیاده روی نکنید و بالا نروید که

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

خمیرمایه ی بروز دشمنی خواهد شد.» و خود آن حضرت با نمونه قرار دادن دخت فرزانه اش، میزان مهریه را پانصد درهم مقرر کرد و به همسرانش نیز همین میزان پرداخت نمود. و پس از آن گرامی نیز پیشوایان نور یکی پس از دیگری همین را سنت و سیره قرار دادند و از آن فراتر نرفتند.

به هر حال امیر مومنان به دستور پیامبر زره را فروخت و پول آن را به آن بزرگوار تقدیم داشت و پیامبر آن پول را به سه بخش تقسیم کرده، بخشی از آن را برای خریدن وسایل زندگی به عنوان جهیزیه، و بخش دیگر آن را برای تهیه عطریات عروسی قرار داد و سومین بخش آن را نزد «ام سلمه» سپرد تا به هنگام فرارسیدن شب عروسی آن را به امیر مومنان باز گرداند تا بتواند از میهمانان خویش پذیرایی کند.

گفتنی است که این پیوند مبارک و پرشکوه موجب برانگیخته شدن حسادت‌ها و دشمنی‌ها در برخی دلها و قلبها گردید، بویژه که بسیاری پیش از امیر مومنان به خواستگاری «فاطمه» شتافتند اما پاسخ منفی دریافت داشته و یا پیامبر از آنان روی گردانید.

از این رو جای شگفتی ندارد که برخی از قریش نزد پیامبر گرامی حضور یابند و بر آن حضرت خورده گیرند، که چرا دخت فرزانه اش را با مهریه ی اندک به امیر مومنان داده است؟ و آنگاه پاسخ بشنوند که هان ای مردم! «فاطمه» را من به «علی» نداده ام بلکه شبی که مرا به آسمانها بردند، خداوند آن شب در آنجا و در کنار «سدره المنتهی» این پیوند را مقرر کرد. و به صراحت به آنان بفرماید که:

«من هم بسان شما بشری هستم. در میان جامعه ی شما، همسر برمی‌گزینم و به شمایان دختر به ازدواج می‌دهم. اما بدانید که در مورد «فاطمه» کار به دست من نبود، چرا که دستور ازدواج او از آسمان فرود آمد.»

### بسوی بازار برای خرید

پیامبر گرامی مقداری از پول مورد اشاره را به «ابوبکر» داد تا به همراه «بلال» و «سلمان» به بازار بروند و مقداری اثاثیه زندگی برای دو همسر جوان و گرانمایه فراهم آورند و به آنان اختیار داد که آنچه را صلاح می‌دانند خریداری کنند.

از «ابوبکر» آورده اند که: پولی را که پیامبر خدا به من داد شصت و سه درهم بود و اثاثیه ای که خریداری شد عبارت بود از:

یگری از پشم گوسفند بود.

2-فرشی از جنس پوست

3-یک بالش از پشم که از لیف خرما پر شده بود.

4-یک عبای بافت خیبر

5-یک مشک برای حمل آب

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

6- تعدادی کوزه ی آب و دیگر ظروف

7- یک آفتابه ی قیر اندوده شده

8- یک عدد پرده ی پشمی نازک

9- یک عدد پیراهن هفت درهمی

10- یک روسری چهار درهمی

11- یک عدد حوله ی تیره رنگ

12- یک تخت به همراه روتختی تهیه شده از برگ درخت خرما

13- چهار عدد پستی

14- یک حصیر

15- یک آسیای دستی

16- یک عدد ظرف بزرگ مسی

17- یک ظرف برای شیر

18- و مشک دیگری برای آب...

پس از اینکه اثاثیه ی مورد نظر خریداری گردید، برخی از کالاهای مورد اشاره را «ابوبکر» و برخی دیگر را همراهان او به طرف خانه آوردند و همه را به «ام سلمه» تحویل دادند. پیامبر گرامی از اثاثیه ی آماده شد بازدید فرمود و به خانواده ی نمونه و پرشکوه جدیدی که در حال شکل گرفتن بود، دعا کرد.

در روایت دیگری آورده اند که آن حضرت رو به بارگاه خدا آورد و گفت:

«خداوندا! به خاندانی که ظروف آنها سفالین است، خیر و برکت خویش را بباران!» و این صورت کامل جهیزیه دخت سالار پیامبران و سفیران خداست که خود برترین زن و پرشرافت ترین دختر و سالار تمامی زنان گیتی بود.

پیامبر گرامی بدینسان این درس را آموختند که نیک بختی و سعادت خانوادگی از راه تجمل و زرق و برق و اسراف و تبذیر، تامین نخواهد گشت، چرا که لباسهای فاخر، صندلیها و مبلهای پر زرق و برق، جواهرات و زیورآلات گرانبها، ظرفهای طلا و نقره و بلورین، فرشها و پرده های گرانبه، کاخهای سر به آسمان کشیده، اتومبیلهای آخرین مدل، لوسترها و سقف آویزها و تجهیزات سرد کننده و گرمابخش الکتریکی، و وسایل رنگارنگی بسان اینها، آنگونه که مردم اسرافکار و ولخرج و بی فرهنگ و بی محتوا می پندارند، هیچ کدام نمی تواند خلاق نیک بختی خانوادگی گردد و سعادت و امنیت به ارمغان آورد.

چه بسیار بانویی که در زیباترین لباس می خرامد و روی فرشهای ظریف و تماشایی و خیره کننده می نشیند و انواع زر و زیور بر دستها و گردن و گوشهایش می درخشد اما با همه ی وجود از ژرفای جان احساس می کند که در اعماق دوزخ زندگی می کند و خود را در زندگی، نگونبخت می نگرد اما در برابر آن

چه بسا زنی که در کلبه و یا خانه ی ساده و باصفایی بساط زندگی گسترده است و به دست خود گندم آرد می کند و خمیر فراهم می آورد و نان می پزد نظافت می کند و بچه ی خویش را شیر می دهد و در سادگی و محرومیت بسیار روزگار می گذراند و از امکانات پر زرق و برق زندگی محروم است اما خویش را نیک بخت و سرفراز احساس می کند و خانه ی ساده ی خویش را بهشت دنیا می نگرد.

این واقعیت در مورد مردان نیز همین گونه است. گاه می نگرد که کاخ سر به آسمان ساییده ای با همه ی امکانات برای بسان دوزخ جلوه می کند و با رنج و درد وارد آن می شود و از آن خارج می گردد، گویی در بند است، در قفس اسیر شده است و برای نجات دقیقه شماری می کند. و در برابر آن، گاه انسانی را خواهید دید که در خانه ی ساده و باصفای خویش احساس آرامش و آسایش و نیک بختی می کند. نمی خواهد آن را ترک کند، چرا که خانه را بهشت آمل و آرزوهای خویش می نگرد. و دریغ و درد که اینک در روزگاران ما میلیونها پسر و دختر جوان چنین می پندارند که نیک بختی خانوادگی و زندگی لبریز از سعادت، تنها از راه ثروت و امکانات گسترده بدست خواهد آمد و ثروتمندان اسرافکار و ولنگار را نیک بخت می نگرند و صفا و سادگی و پارسایی را نشان عقب ماندگی و بدبختی ارزیابی می کنند و با این پندار از تشکیل خانواده و ازدواج می گریزند، گویی در انتظارند که نیک بختی زنگ در خانه ی آنان را بزند، و این نیز نشاید!

### سند آسمانی یا «مهریه» حقیقی فاطمه

در صفحات گذشته از نظر شما خواننده ی گرامی گذشت که؛ فاطمه علیهاالسلام دخت ارجمند پیامبر بر اساس خواسته ی پدرش در پیوند با امیر مومنان ، به مهریه ای اندک بسنده نمود و از هر گونه بها دادن به ارزشهای مادی چشم پوشید تا این درس آموزنده را به انسانهای آزاده و وارسته بیاموزد که چگونه باید در زندگی به ارزشهای معنوی و انسانی بها دهند.

اما مفهوم پذیرش این مهریه اندک از سوی بانوی نمونه ی اسلام این نبود که سالار بانوان گیتی موقعیت والا و منزلت شکوہبار و شرافت بی همانند خویش را به بوته ی فراموشی سپرده و از یاد برده باشد بلکه مقام پرفراز و حقیقت والا و قداست و فضایل خویش را پاس داشته است و با تحقق بخشیدن به اهداف بلند دین و پدر گرانقدرش، برترین و شکوہبارترین پاداشها را از آن خود ساخته است.

«احمد بن یوسف دمشقی» در کتاب خویش «اخبارالدول و اثارالاول» در این مورد آورده است که:

دخت ارجمند پیامبر هنگامی که شنید پدر گرانمایه اش پس از رضایت او، وی را به ازدواج علی علیه السلام درآورده و صدق او را بسیار اندک قرار داد، به آن حضرت گفت:

«ای پیامبر خدا! دختران مردم عادی نیز همینگونه ازدواج می کنند و مهریه ی آنان از همین درهم ها و دینارهای دنیوی است، پس فرق ما و آنان چیست؟ من از شما تقاضا می کنم که این مهریه دنیوی و مادی را به شوی گرانقدرم علی علیه السلام باز گردانی و خود از خدا بخواهی که مهریه ی مرا شفاعت گناهکاران

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

امت قرار دهد. «درست پس از این خواسته ی فاطمه علیهاالسلام بود که فرشته ی وحی فرود آمد و کاغذی از حریر با خود آورد که در آن اینگونه نوشته شده بود:

«خداوند مهریه ی فاطمه را شفاعت گناهکاران امت پدرش قرار داد.» و به همین دلیل هم بانوی بانوان آن سند آسمانی را نگاه داشت تا به هنگامه ی مرگ در درون کفن او قرار دهند و فرمود:

«هنگامی که در روز رستاخیز برانگیخته شدم، این سند آسمانی را بدست می گیرم و طبق آن از گناهکاران امت پدرم پیامبر، به اذن خدا و خواست او، شفاعت می نمایم.» این روایت همانگونه که از نظرتان گذشت نمایشگر عظمت و شکوه بانوی بانوان و همت والای اوست، چرا که او از پدرش می خواهد که این موقعیت رفیع و این مقام پرفراز را برای او بخواهد و دعای پیامبر نیز مورد پذیرش قرار می گیرد و در برابر خواسته ی پیامبر آن سند آسمانی فرود می آید که به خواست خدا در روز رستاخیز حقیقت آن برای همه روشن می شود.

در این مورد «صفوری» در کتاب خویش «نزهةالمجالس» از «نسفی» آورده است که: فاطمه علیهاالسلام از پیامبر گرامی تقاضا کرد که خداوند مهریه ی او را شفاعت امت پیامبر در روز رستاخیز قرار دهد و پذیرفته شد و در آن روز است که مهریه ی خویش را خواهد خواست.

به هر حال روایات بسیاری از امامان نور بیانگر آن است که خدای جهان آفرین در روز رستاخیز جزء مهریه ی فاطمه علیهاالسلام شفاعت او را در حق گناهکاران امت پیامبر، قرار داده است. و ما در بخش پایانی خویش روایاتی را که در این مورد رسیده است، ترسیم خواهیم کرد.

### مراسم عروسی و مقدمات آن

میان مراسم عقد و عروسی دخت گرانمایه ی پیامبر، فاصله ای کوتاه افتاد اما این فاصله دلیل خاصی نداشت بلکه بدان جهت بود که از سوئی امیر مومنان از پیامبر گرامی خجالت می کشید که گام به پیش نهد و همسر خویش را به خانه ببرد و از دگر سو، پیامبر خدا نیز بخاطر گرامیداشت شکوه و عظمت دخت ارجمندش نمی خواست در این مورد پیشگام گردد و پیش از پیشنهاد شوی ارجمند «فاطمه»، وی را به خانه ی او بفرستد.

این فاصله میان مراسم عقد و عروسی به ظاهر چند ماه به طول انجامید و جریان مسکوت ماند اما سرانجام «عقیل» نزد امیر مومنان رفت و دلیل سکوت وی را پرسید و از او خواست که مقدمات عروسی را فراهم آورد.

علی علیه السلام از پیامبر خجالت می کشید که از عروسی «فاطمه» سخن به میان آورد اما «عقیل» موضوع را پی گرفت و سرانجام تصمیم بر آن شد که با هم نزد پیامبر شرفیاب گشته، موضوع را با آن حضرت در میان نهند.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

علی علیه السلام و عقیل در راه شرفیابی به محضر پیامبر به «ام ایمن» برخورد کردند و او به آنان توصیه کرد که اجازه دهند تا انجام این کار را او به عهده گیرد. و آنگاه نزد «ام سلمه» آمد و جریان را با او در میان نهاد و به همراه دیگر همسران پیامبر، همگی به محضر آن حضرت شرفیاب شدند.

هنگامی که در حضورش نشستند، گفتند: ای پیامبر خدا! پدر و مادرمان فدای شما باد! ما بخاطر کاری مهم به اینجا آمده ایم، کاری که اگر بانوی بزرگ حجاز «خدیجه» زنده بود چشمش بوسیله ی آن نورباران می گشت.

پیامبر مهر و عدالت با شنیدن نام «خدیجه» باران اشک از دیدگان فروباراند و فرمود: از «خدیجه» سخن گفتید؟ کجا همانند او پیدا می شود؟ او بود که در راه دین خدا و پیشرفت آن مرا یاری کرد و با دارایی و ثروت هنگفت خویش مرا در راه هدفهای الهی مدد رساند و آنگاه خدا به من فرمان داد که به «خدیجه» بشارت دهم که به پاس رنجها و تلاشها و فداکاریهایش، خداوند در بهشت پرتراوت زیبای خویش، خانه ای از زمرد برای او ساخته است. خانه ی پرشکوهی که در آن نه هیاهویی خواهد بود و نه رنج و دردی.

«ام سلمه» می افزاید: پس از سخن پیامبر در مورد بانوی خردمند جهان عرب، گفتیم: ای پیامبر خدا! پدر و مادرمان فدایتان باد! هرچه پیرامون شخصیت ارجدار «خدیجه» بفرمایید درست است اما اینک او بسوی پروردگار خویش شتافته است و نعمت های خدا بر او گوارا باد و خدا ما را با او در درجات بهشت و آمرزش و خشنودیش گرد آورد. اما ای پیامبر خدا! این علی علیه السلام است که برادر شما در دین و در نسبت پسرعموی شماست. تقاضای او این است که به لطف خویش همسر گرانمایه اش، فاطمه علیهاالسلام را به خانه ی او روانه سازید تا بر اساس مهر و صفا با هم زندگی مشترک را آغاز کنند.

در روایت دیگری آمده است که سخنگوی بانوان «ام ایمن» بود و او بود که گفت: ای پیامبر خدا! اگر «خدیجه» اینک در قید حیات بود، دیدگانش به عروسی «فاطمه» نورباران می گشت. واقعیت این است که علی علیه السلام می خواهد همسر گرانقدرش را به خانه ی خویش ببرد. تقاضای ما اینک این است که با روشن ساختن چشم «فاطمه» به جمال همسر گرانمایه اش «علی»، به آن دو امکان آغاز زندگی مشترک بدهید و ما را نیز با انجام این عروسی شادمان سازید.

پیامبر گرامی فرمود: چرا «علی» خودش خواسته اش را مطرح نمی کند؟ «ام ایمن» پاسخ داد: از شما خجالت می کشد.

فرمود: او را نزد من بیاورید تا ترتیب کار را بدهم.

«ام ایمن» نزد امیر مومنان آمد و به او که در انتظار دریافت پاسخ پیامبر بود، گفت: آن حضرت شما را می خواهد.

او به همراه آن بانو نزد پیامبر آمد و پس از سلام، با وقار و ادب در گوشه ای نشست و از شدت حیا سر به زیر افکند.



کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

پیامبر از او پرسید: علی جان! آیا دوست داری همسرت را به خانه ات ببری؟ پاسخ داد: آری، پدر و مادرم فدایت باد!

پیامبر فرمود: بسیار خوب، به خواست خدا امشب یا شب آینده همسرت در خانه ات بود. اینک برو خانه ای فراهم ساز تا «فاطمه» در آنجا فرود آید.

علی علیه السلام گفت: من در مدینه خانه ای جز خانه ی «حارثه» سراغ ندارم.

پیامبر فرمود: ما بدان جهت که همه ی خانه های «حارثه» را برای سکونت خود و نزدیکانمان گرفته ایم دیگر از او خجالت می کشیم، اما این جریان به گوش «حارثه» رسید. به سرعت نزد پیامبر شتافت و گفت: «ای پیامبر خدا! هستی و امکانات و جان من از آن خدا و پیامبر اوست. به خدای سوگند چیزی در نظرم دوست داشتنی تر از آن نیست که شما آن را از من بپذیرید. به خدای سوگند آنچه از ثروت و خانه و امکاناتم را شما بگیری، از آنچه نزد خودم باشد محبوب تر است و خانه، خانه ی شماست.» را ستی که شگفتا از این ایمان به خدا و پیامبر!! و شگفتا از این ایمان و عقیده ی راستین به جهان دیگر و پاداش آن! بدینسان «حارثه» یکی از خانه های مسکونی خویش را در اختیار «علی» علیه السلام نهاد و آن حضرت نیز به سر و سامان بخشیدن بدان و آراستن اطاق ویژه ی عروسی پرداخت.

### اطاق برترین دختر دنیا

جالب است که وضعیت خانه ی امیر مومنان و اطاق برترین بانوی گیتی را بنگریم که چگونه است! مورخان آورده اند که:

علی علیه السلام کف اطاق را از شنهای نرم فرش کرد و چوبی به منظور آویختن مشک بر دیوار اطاق نصب نمود و سبو و کوزه ی آبی فراهم آورد و چوبی نیز بجای جالباسی از این دیوار تا دیوار دیگر نصب کرد. آنگاه کف اطاق را با فرشی که چیزی جز پوست گوسفند نبود، فرش نمود و بالشی هم از لیف خرما در کنارش قرار داد.

آری اینها اثاث و وسایل زندگی شهسوار اسلام بود.

در صفحات گذشته یادآور شدیم که پیامبر مهریه ای را که از امیر مومنان دریافت داشت، بر سه بخش تقسیم کرد؛ یک سوم آن را به خرید اثاثیه به عنوان جهیزیه اختصاص داد و یک سوم دیگرش را برای عطریات در روایات سلت برای طیب یعنی عطر فقط همچون که در اصل عربی چنین است و یک سوم آن را نیز به عنوان امانت نزد «ام سلمه» سپرد و اینک در آستانه ی عروسی، پیامبر گرامی آن پول را گرفت و بدان دلیل که امیر مومنان در آستانه ی آغاز زندگی مشترک با «فاطمه» بود و نیاز به کمک مالی داشت، آن را به او هدیه کرد و فرمود: علی جان! زبینه است که ضیافت شامی به عنوان ولیمه ی عروسی برقرار گردد. و ه از این شرافت و بزرگمنشی!

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

شگفتا از این اخلاق پرشکوه و دوست داشتنی! و به از این صداقت و صفا در مهر و عواطف انسانی! در آستانه ی عروسی، برخی از یاران برای امیر مومنان هدیه هایی آوردند و پیامبر مهر به داماد گرانقدر، دستور تهیه غذای شایسته و بایسته ای را داد، چرا که خدای جهان آفرین میهمانی دادن و سیر کردن دیگران را با انگیزه ی اخلاص، دوست می دارد و این بدان دلیل است که در ضیافت های خالصانه و انسانی اثرات نیک فراوانی است. هم شکمهای گرسنه سیر می شوند و هم روابط انسانها از مهر و محبت سیراب می گردد. و پیش از این اثرات مادی و معنوی، خدای خشنود می گردد. گرچه متأسفانه در جامعه ی ما آن ضیافت خالصانه ای که «ولیمه» نام دارد، به محافل جشن آنچنانی تبدیل گشته و اطعام و سیر کردن گرسنگان و محرومان نیز جای خود را به برخی نوشابه ها یا خوردنی ها و شیرینی های تشریفاتی و بی فایده سپرده است.

### ایثاری بی نظیر

نکته ای که نباید فراموش شود این است که؛ سالار بانوان، فاطمه علیهاالسلام در شب عروسی خویش رکورد انفاق خالصانه و بی نظیر را برای همیشه شکست و دست به بخشش و ایثاری در راه خدا زد که در کران تا کران تاریخ بی نظیر است.

«صفوری شافعی» در کتاب خویش از «ابن جوزی» آورده است که:

پیامبر خدا برای شب عروسی دخت فرزانه اش، فاطمه علیهاالسلام پیراهنی آماده ساخت و آن گرانیامه ی عصرها و نسلها پیراهن دیگری نیز داشت که پوشیده و اصلاح شده بود. درست شب عروسی او بود که بی نوایی در خانه ی پیامبر آمد و از بیت رفیع رسالت لباس طلبید. دخت گرانیامه ی پیامبر برخاست و نخست پیراهن اصلاح شده ی خویش را در بسته ای نهاد تا در راه خدا به او انفاق کند اما ناگهان آیه ی شریفه ی قرآن را به خاطر آورد که «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون» «شما به اوج نیکی و نیکوکاری نخواهید رسید مگر آنکه از آنچه دوست می دارید در راه خدا انفاق نمایید.» و درست همین جا بود که «فاطمه» بازگشت و پیراهن عروسی خویش را از تن درآورد و به آن زن بینوا انفاق کرد و خود همان جامه ی عادی خویش را پوشید.

هنگامی که خواستند عروس گرانیامه را به خانه ی امیر مومنان ببرند، فرشته ی وحی فرود آمد و پس از سلام بر پیامبر گفت:

ای پیامبر خدا! پروردگارت درود نثارت می کند و به من دستور داده است که سلام و درودی گرم نثار «فاطمه» نمایم و به همراه من ارمغانی از لباسهای بهشت نیز که از دیبای سبز تهیه شده است برای او فرستاده است.

## درود بر آن دست پربرکت

به هر حال غذا آماده شد و ضمن پخته شدن گوشت و فراهم آمدن نان و خرما و روغن، پیامبر گرامی گام به جلو نهاد و آستین‌ها را بالا زد و روغن و خرما را با هم درآمیخت و شیرینی جالبی تهیه کرد.

آنگاه به امیر مومنان فرمود: خود به مسجد برود و مردم را برای ضیافت دعوت نماید.

علی علیه السلام وارد مسجد پیامبر شد. آنجا لبریز از جمعیت بود. در میان انبوه مردم، هم اصحاب «صفه» که از مهاجران فداکار و تهیدست بودند، حضور داشتند و هم از انصار و یاران مدینه. همه از کسانی بودند که ثروت و امکانات خویش را در راه خدا و ایمان و هجرت از دست داده بودند و اینک از ثروتمندان محسوب نمی شدند.

آن حضرت یک لحظه اندیشید که با این انبوه جمعیت و آن غذای محدود چه باید کرد؟ و در همان حال بزرگواری و عظمت مانع آن است که همه را برای ضیافت فراخواند، بویژه که همه ی مردم آرزو داشتند در ضیافت عروسی دخت سرفراز پیامبر حضور یابند و از آن خوان پربرکت بهره ور گردند.

امیر مومنان در اندیشه بود که ایمان عمیق و تزلزل ناپذیرش به لطف خدا و دست پربرکت پیامبر، کار را بر او آسان ساخت و به او جرات و جسارت داد تا بر نقطه ی بلندی صعود کند و با صدایی رسا همگان را به مجلس ولیمه ی دخت گرانقدر پیامبر فراخواند آن حضرت با صدای رسایش فرمود:

«هان ای مردم! به ضیافت عروسی دختر پیامبر بشتابید.» صدای فراخوان امیر مومنان نه تنها در مسجد که در مزارع و بستانهای مدینه نیز طنین افکند و زن و مرد و پیر و جوان، بسوی خانه ی پیامبر حرکت کردند و همگی از آن غذای پربرکت بهره ور شدند.

در آنجا بود که برکت دست مبارک پیامبر آشکار شد، چرا که نه تنها با هجوم تمامی مردم مدینه به آن ضیافت خالصانه و پرشکوه، غذا تمام نشد بلکه از آن کاسته هم نگردید. پیامبر پس از صرف غذا بوسیله ی میهمانان، ظرفها را پر کرد و به خانه ی هر کدام از همسران خویش و ظرفی نیز لبریز از غذا به خانه ی عروس و داماد گسیل داشت.

## انگیزه ی این همه احترام

خورشید در سینه ی مغرب ناپدید شد و ساعت بردن عروس از خانه ی پیامبر به خانه ی شوی گرانقدرش، علی علیه السلام فرارسید. پیامبر همه ی تدابیر را برای شب عروسی اندیشیده بود تا مراسم ازدواج دخت سرفرازش، فاطمه علیها السلام با وجود سادگی و سهولت و دوری از هر گونه تشریفات و تجملات از بالاترین درجه ی شکوه و زیبایی و محتوا و معنویت لبریز باشد. و راستی که تاریخ چنین مراسم ساده و باصفا و پرشکوه و معنویتی را بیاد ندارد. تا آنجایی که «هیثمی» در «مجمع الزوائد» به نقل از «جابر» می نویسد:

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

ما در عروسی پرشکوه «علی» و «فاطمه» حضور داشتیم، راستی که مراسمی بهتر و پرجاذبه تر از آن ندیدیم.

پیامبر به همسران خویش دستور داد تا فاطمه علیهاالسلام را برای عروسی بیاریند و آنان با مهر و شور مادری او را آراستند و عطرآگین نمودند و زر و زیورهای به او پوشانیدند.

یکی سرمبارکش را شانه زد و دیگری آن را به گونه ای خاص تنظیم و مرتب نمود.

آنگاه آن دخت بهشت، لباس خاص عروسی اش را که «جبرئیل» از بهشت به ارمغان آورده و بی نظیر بود به تن کرد و باشکوهی وصف ناپذیر آماده ی حرکت به خانه ی جدید خویش گردید.

روشن است که باران مهر و عنایت پیامبر به «فاطمه»، در میان همه ی دخترانش بی نظیر بود و این دلایل خاص خود را داشت که مهمترین آنها ویژگیهای اخلاقی و برتریهای فکری و معنوی دخت فرزانه اش بود.

افزون بر عظمت بسیار خود «فاطمه»، شوی گرنامه ی او نیز علاوه بر اینکه پسرعموی پیامبر شناخته می شد، کسی بود که در حقیقت برادر، وزیر، جانشین، پرچمدار پرشکوه دین و راه و رسم عادلانه و انسانساز او، و دارای مواهب معنوی و ارزشهای انسانی و سوابق درخشانی بود که دیگر دامادهای پیامبر نه این خویشاوندی نزدیک را داشتند و نه این امتیازات خاص اخلاقی و عقیدتی و عملی را. و این نیز انگیزه ی دیگری بر تکریم و تجلیل بیشتر پیامبر از «فاطمه» بود.

از سوی دیگر فاطمه علیهاالسلام همان دخت بهشت است که پیامبر گرامی از آینده ی شکوهار و موقعیت ممتاز او آگاه است. می داند که بزودی آیه ی مبارکه ی «تطهیر» و «مباهله» و «مودت» در مورد او و خاندان پرافتخارش نازل می شود و هموست که مام فضیلت هاست و مام گرنامه ی امامان نور، تا روز رستاخیز خواهد بود.

### کاروان عروسی دخت بهشت

سرانجام شب موعود فرارسید، همان شبی که دخت بهشت می بایست با وجود پدری چون پیامبر، احساسا یتیمی کند و به یاد فقدان مادرش «خدیجه» بیفتد، چرا که مادر در زندگی دخترش نقش مهمی ایفا می کند. بویژه شب عروسی دخترش عدم حضور او سخت احساس می گردد و آن شب مام پرفضیلت «فاطمه» در کنارش نبود.

خورشید آن روز در سینه ی مغرب غروب کرده بود که، پیامبر گرامی دخت پاک و پرمعنویت خویش و داماد ارجمندش را فراخواند. «فاطمه» در حالی که لباس بلندی بر تن داشت و دامان آن به زمین کشیده می شد، به پیشگاه پدر آمد اما دنیایی وقار و شکوه و عظمت را مجسم می ساخت و از شدت حیا عرق می ریخت.

گویی خدای پرمهر اراده فرموده بود که مراسم عروسی «فاطمه» از هر جهت شکوهار و ممتاز باشد و پیامبر خدا نیز در این اندیشه بود که دخت بهشتی اش احساس بی مادری نکند به همین جهت و روی مصالح

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

دیگری دستور داد مرکب خاص خویش را آوردند و پارچه ای زیبا بر روی آن افکند و از دخت عزیزش خواست که بر مرکب بنشیند.

آنگاه زمام مرکب را به دست شخصیت بزرگی چون «سلمان» داد و خودش از پی مرکب حرکت کرد. شما ای خواننده ی گرامی، به خدایت سوگند! بیندیش که آیا تاکنون شنیده و یا نظاره نموده و یا در تاریخ بزرگان و سران جامعه ها؛ از پیامبران گرفته تا زمامداران دنیا، خوانده ای که دختری شب عروسی اش به خانه ی شوهرش روان باشد و آنگاه سالار پیامبران خدا مرکب او را براند؟!

آری آسمانیان و زمینیان در مراسم پرشکوه شب عروسی «فاطمه» این حوریه ی انسان نما شرکت کردند. «خطیب بغدادی» در «تاریخ بغداد»، و «جوینی» در «فرائدالمسطین»، و «ذهبی» در «میزان الاعتدال»، و «عسقلانی» در «لسان المیزان»، و «قرمانی» در «اخبارالدول»، و «قندوزی» در «ینابیع الموده»، از «ابن عباس» آورده اند که:

هنگامی که دخت گرانمایه ی پیامبر فاطمه علیهاالسلام را به خانه ی علی می بردند، پیامبر گرامی پیشاپیش مرکب او و فرشته ی وحی سمت راست و «میکائیل» طرف چپ و هفتاد هزار فرشته از پی او حرکت می کردند و آن شب تا سپیده دمان آفریدگار هستی را ستایش و تقدیس نمودند. از هفتمین امام نور آورده اند که به نقل از پدران گرانمایه اش و آنان از «جابر بن عبدالله انصاری» آورده اند که:

هنگامی که شب عروسی فرارسید خود پیشوای بزرگ توحید، مرکب مخصوص خویش، معروف به «شهباء» را آورد و محملی بر آن آراست و با نهایت مهر و احترام از دخترش خواست تا بر آن قرار گیرد و بسوی خانه ی شوی ارجمندش حرکت کند.

آنگاه به «سلمان» دستور داد تا زمام آن مرکب را برگیرد و خود آن بزرگوار نیز به همراه آنان حرکت کرد. در میان راه، پیامبر دریافت که فرشته ی وحی و میکائیل هر کدام به همراه هفتاد هزار فرشته، فرود آمدند. پیامبر از دلیل فرود آنان پرسید که گفتند: برای بدرقه ی فاطمه به خانه ی شوی گرانمایه اش «علی» آمده ایم.

سپس جبرئیل و میکائیل و فرشتگان و پیامبر خدا ضمن بدرقه ی پرفضیلت ترین دختر گیتی تکبیر گفتند... و از همان هنگام تکبیر در مجالس عروسی رسم گردید. و نیز مردان «هاشمی» همگی در رکاب بانوی بانوان بودند و پیامبر دستور داد دختران «عبدالمطلب» و بانوان مهاجر و انصار به همراه عروس بهشت، حرکت کنند و همسران پیامبر نیز پیشاپیش قافله و مرکب عروس اشعاری پرمحتوا می خواندند و شادی می کردند.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

### این امانت من نزد توست

بدینسان بانوان کاروان عروس، بیت اول هر شعری را تکرار نمودند و رفتند تا وارد خانه ی امیر مومنان شدند.

هنگامی که کاروان عروس به خانه رسید، پیامبر، امیر مومنان را فراخواند و پس از آمدن او دخت سرفرازش را خواست و دستش را گرفت و در دست علی علیه السلام نهاد و فرمود: «علی جان! خداوند دخت پیابر را به تو مبارک سازد» «بارک الله فی ابنه رسول الله.» و افزود:

یا علی! هذه «فاطمه» و دیعتی عندک!

یا علی! نعم الزوجه «فاطمه»! و یا «فاطمه»! نعم البعل علی!!

علی جان! این فاطمه است و امانت من نزد توست!

علی جان! «فاطمه» شایسته ترین همسر برای توست. و آنگاه فرمود: ای «فاطمه» علی شایسته ترین شوهر است. و دستهای مقدس را بسوی آسمان گشود و نیایشگرانه زمزمه کرد که:

بار خدایا! نیکی ها و برکات خویش را بر این دو فرود فرست، و در فرزندان و نسل پاکشان برکت قرار ده!

بار خدایا! این دو تن محبوب ترین انسانها نزد من هستند، پس تو نیز آنان را دوست بدار و از سوی خویش حافظ و نگهبان بر آنان بگمار.

بار خدایا! من این دو تن را با نسل پاکشان، از شیطان رانده شده و شرور و وسوسه های آن، به تو پناه می دهم.

آنگاه آبی خواست و جرعه ای از آن را به سبک خاصی متبرک ساخت و از آن قطراتی بر سر و سینه و میان شانه های دخت گرانقدر و داماد ارجمندش افشاند و دستور داد بانوان، عروس و داماد را در سرای جدیدشان به خدا سپارند و بروند.

همه ی آنان به دستور پیامبر رفتند اما «اسماء» باقی ماند. پیامبر گرمی دلیل ماندن او را جویا شد که گفت: پدر و مادرم فدایت باد! ماندنم در اینجا بخاطر پیمانی است که با مام فضیلت ها، «خدیجه» دارم.

پیامبر از پیمان او و خدیجه پرسید و او توضیح داد و آن حضرت گریست و پس از اطمینان از موضوع او را دعا فرمود.

### زندگی خانوادگی

دخت سرفراز پیامبر سرانجام به خانه ی شوی گرانمایه اش برای آغاز زندگی مشترک و حیات خانوادگی، انتقال یافت.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

او در حقیقت از بیت رفیع رسالت و نبوت به خانه ی پرشکوه قداست و امامت و ولایت راستین منتقل شد و بدینسان به اوج نیکبختی پر کشید، چرا که پس از آنکه دورانی پربار و پربرکت در پرتو نبوت زندگی نموده بود، اینک با آغاز زندگی مشترک، قرین و همنشین امیر فضیلتها شد.

زندگی بانوی بانوان در خانه ی امیر مومنان همراه تبلور و درخشندگی بود و هر روز زیبایی بیشتری به خود می گرفت، چرا که او در فضایی زندگی را شروع کرده بود که لبریز از قداست و پاکی بود و پارسایی و شایستگی و سادگی و صفا در کران تا کران آن موج می زد.

او همتای زندگی خویش را در کار دین و دنیا و آخرت یاری می کرد و در ابعاد گوناگون مسائل اسلامی و فرهنگ دینی با او به سخن می نشست و در کارهای سخت و طاقت فرسا با او همکاری قهرمانانه می نمود.

### عشق و شناخت متقابل

راستی که اگر زندگی خانوادگی بر اساس هماهنگی در اندیشه و عقیده و هدف و آرمان پی ریزی گردد و در کران تا کران آن مهر و عشق و احترام و رعایت حقوق متقابل حاکم باشد، چقدر این زندگی شیرین و دوست داشتنی و سعادت‌مندانه خواهد بود!!

(و برآستی که زندگی مشترک آن دو گوهر گرانبه‌ای جهان هستی چنین بود ( این واقعیت جای هیچ شگفتی ندارد، چرا که بانوی بانوان از مقام والا و موقعیت شکوهمبار شوی گرانقدرش در بارگاه خدا به خوبی آگاه بود و به همین دلیل بسان یک زن باایمان بلکه بهتر و بیشتر، پیشوای راستین خویش را احترام می کرد و در برابر او سراپا گوش و هوش بود و نسبت به آن حضرت آنگونه که شایسته و بایسته بود، شناخت و معرفت داشت و آنگونه که می بایست از او فرمانبرداری و قدرشناسی می نمود.

زیرا فاطمه علیهاالسلام امیر فضیلتها را عزیزترین انسانها در پیشگاه پیامبر می شناخت. او را صاحب ولایت راستین و پرشکوه الهی و خلافت کبرای آسمانی و امامت واقعی و همه جانبه، از سوی خدا می نگریست. مگر نه اینکه امیر مومنان برادر پیامبر، خلیفه و جانشین و وارث راستین او بود؟ و مگر نه اینکه همو بود که صاحب مواهبی درخشان و سوابقی پرافتخار و شکوهمبار و بی نظیر بود؟ آری «فاطمه» امیر مومنان را آنگونه که شایسته و بایسته بود می شناخت و حرمت او را پاس می داشت.

از سوی دیگر امیر مومنان نیز به بانوی بانوان همیگونه احترام می کرد. احترامی شایسته و بایسته و وصف ناپذیر.

این احترام و تکریم و حق شناسی نه تنها به دلیل این بود که فاطمه علیهاالسلام همسر و همتای زندگی اش بود، نه! بلکه بدان سبب بود که: او محبوبترین انسانها در پیشگاه پیامبر بشمار می رفت، او سالار بانوان گیتی بود، و پرتویی از نور وجود پیامبر خدا، و از کسانی بود که خدا کتاب پراسرار آفرینش را به نام بلند و بخاطر ارج و شکوه آن گشود.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

بدان سبب او را سخت گرمی می داشت که او مجموعه ای از فضیلت ها، چکیده ای از عظمت ها و تبلور همه ی ارزشها و والایی ها و قداست ها بود. ارزشهایی که اگر تنها یکی از آنها در بانویی وجود داشته باشد سخت در خور تجلیل و قدرشناسی خواهد بود.

با این بیان و این نگرش، چگونه بانوی سرفراز گیتی با آن همه فضایل و مواهب و امتیازات و ویژگیها و ارزشهای اخلاقی و انسانی وصف ناپذیر که او را در همه ی عصرها و نسلها بی نظیر و نسخه ی تک ساخته است، برای گوهرشناسی چون امیر مومنان گرمی و عزیز نباشد؟!!

بانویی با آن نسب رفیع و شریف ، با آن معنویت و قداست ، با آن آغاز و امتیازات در آفرینش و کرامت و شکوه نزد خدا ، با آن عبادت و دانش، ایمان و پروا، پارسایی و پاکی، و شخصیت و عظمت بی همانند و صدها امتیاز دیگری که سخن گفتن از آنها کار ساده ای نیست!

اینک شما خواننده ی گرمی با توجه به نکاتی که گذشت می توانید آن فضای عطرآگین خانوادگی و آن جو پرمعنویت و پرصفا را که آن دو همسر نیکبخت در آن زندگی مشترک را آغاز نمودند درک کنید. می توانید پرتویی از واقعیت زندگی دوست داشتنی و شیرین و سعادت‌مندانه ای را دریابید که نه فقر و تهیدستی می توانست آن را تیره سازد و نه حوادث و رخدادهای تکانه‌دهنده و فراز و نشیب های روزگار توان پریشان ساختن آن را داشت. چرا که بر آن زندگی شکوهار همواره نسیم روحبخش محبت و همکاری متقابل می ورزید و عواطف پاک انسانی با زیباییهای بهت آور و حیرت انگیزش کران تا کران آن را زینت می داد و آراسته می ساخت.

مرحوم مجلسی در «بحار» به نقل از «مناقب» آورده است که امیر مومنان فرمود:

فوالله ما اغضبتها، و لا اکرهتها علی امر حتی قبضها الله... و لا اغضبتنی و لا عصت لی ام را لقد کنت انظر الیها فتکشف عنی الهموم و الاحزان [ بحارالانوار، ج ۴۳ ] . به خدای سوگند که در همه ی عمر زندگی مشترک، هرگز به «فاطمه» خشم نگرفته و هرگز او را به کاری وادار نساختم... و او نیز به من هرگز خشم نگرفت و در هیچ کاری مرا نافرمانی نکرد.

او به گونه ای بود که هرگاه به او می نگریستم غمها و اندوه هایم زدوده می شد.

«تفسیر عیاشی» از پنجمین امام نور در این مورد آورده است که:

فاطمه علیهاالسلام در زندگی مشترک با امیر مومنان کارهای خانه و تهیه غذا و نان را به عهده گرفته بود و شوی گرانقدرش در برابر، کارهای خارج از منزل و آوردن مواد سوختی و ضروریات زندگی را به عهده داشت . [بحارالانوار، ج ۴۳، ص 31] به نقل از تفسیر عیاشی [ .به هر حال مدت اقامت امیر مومنان و همسرش در خانه ی «حارثه» روشن نیست اما به خوبی روشن است که پس از مدتی پیامبر گرمی خانه ای بسان خانه هایی که برای همسران خویش در کنار مسجد ساخته بود، برای دو محبوب زندگی اش ساخت و درب خانه



ی فاطمه را به طرف مسجد باز کرد. و دخت سرفراز پیامبر بدینسان به خانه ی جدید خویش که در کنار خانه ی پدرش و مسجد او بود، نقل مکان کرد و زندگی لبریز از معنویت و صفا را در آنجا پی گرفت.

## سیمای فاطمه در قرآن

### در آیه ی قربی

آیه ی شریفه ی «قربی» که بیانگر پرتویی از شکوه و شخصیت فاطمه علیهاالسلام می باشد این است:  
قل لا اسالکم علیہ اجرا الا المودۃ فی القربی و من یقترب حسنة نزد له فیہا حسنا ان اللہ غفور شکور [ .سوره ۴۰، آیه ۲۲ ] .هان ای پیامبر بگو! من از شما هیچ پاداشی بر رسالت خود نمی خواهم جز دوست داشتن نزدیکانم و هر کس کار شایسته ای انجام دهد بر نیکی اش می افزایم، چرا که خداوند آمرزنده و حق شناس است.

آیه ی شریفه همانگونه که شما خواننده ی گرامی بدان می نگری از قرآن شریف است و خدا به پیامبر برگزیده اش فرمان می دهد که ای پیامبر به امت بگو: من برای انجام رسالت خویش پاداشی از شما نمی طلبم جز آنکه شما باید با نزدیکان من براساس مهر و محبت رفتار نمایید.

در این مورد سخنان امامان راستین و همه ی پیروان آنان هماهنگ است که؛ منظور از واژه ی «قربی» نزدیکان پیامبر می باشند. و انبوه روایات در کتابهای شیعه و اهل سنت ، نام و نشان این نزدیکان پیامبر را بدست می دهد.

1- از جمله ی ان روایات فراوان که دانشندان بزرگ اهل سنت در معتبرترین اسناد خویش همچون «صحاح» و تفاسیر مهم خود آورده اند این روایت است که می فرماید: هنگامی که این آیه ی شریفه فرود آمد از پیامبر پرسیدند که نزدیکان شما محبت آنان بر ما واجب شد کیانند؟ پیامبر در پاسخ فرمود: «علی» و «فاطمه» و دو پسر آنان...

قال صلی الله علیه و آله و سلم: علی و «فاطمه» و ابناها...

این روایت را «ابن حجر» در «الصواعق المحرقة»، «ثعلبی» در تفسیر خویش ، «سیوطی» در «الدرالمنثور» ، «ابونعیم» در «حلیة الاولیاء» ، «جوینی شافعی» در «فرائدالمسطین» روایت کرده اند.

2-روایت دیگر از آن انبوه روایات را «طبری» و «ابن حجر» از پیامبر گرامی آورده اند که: خداوند پاداش مرا بر شما مردم، محبت ورزیدن به خاندان من قرار داد، بهوش باشید که من در روز رستاخیز در مورد آنان از شما سوال خواهم نمود.

«ان الله جعل اجری علیکم المودۃ فی اهل بیتی و انی سائلکم غذا عنہم.»

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

### در سوره ی «هل اتی»

در این مورد در قرآن شریف می خوانیم که:

ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها کافورا، عینا یشرب بها عبادالله یفجرونها تفجیرا... و کان سعیکم مشکورا...

این آیات هنگامی بر قلب مصفای پیامب فرود آمد که بانوی سرفراز اسلام فاطمه علیهاالسلام و شوی گرانقدر و دو فرزند ارجمندش حسن و حسین در راه خدا انفاقی خالصانه نمودند.

محدثان شیعه و اهل سنت از جمله «واحدی» در «البسیط» «سعلی» در «تفسیر کبیر» و «ابوالمعدی موفق» در «الفضائل» و دیگران آورده اند که:

این آیات درباره امیر مومنان و فاطمه و حسن و حسین فرود آمده است.

نگارنده در اینجا به مطالبی که مفسر نامدار اهل سنت «زمخشری» در تفسیر خویش در این مورد آورده است، بسنده می نماید.

او در این مورد در تفسیر خویش «کشاف»، از «ابن عباس» آورده است که:

دو فرزند گرانمایه ی فاطمه علیهاالسلام، «حسن» و «حسین» بیمار شدند. پیامبر گرامی به همراه گروهی از یاران به دیدار آن دو آمدند و ضمن گفتگو فرمودند:

«علی جان! زبینه است برای شفای فرزندان نذری نمایی «آن حضرت بهمراه بانوی بانوان، و به پیروی از آنان «فضه» آن زن شایسته و شاگرد و ارادتمند فاطمه علیهاالسلام نذر کردند که در صورت عنایت خدا و بهبود حال دو فرزند گرانمایه ی بیت رفیع رسالت و امامت، سه روز، روزه بگیرند و پس از اندکی، آنان بهبودی خویش را به یاری خدا باز یافتند.

امیر مومنان در شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی آن روز جامعه، مقداری دانه برای تهیه ی نان فراهم آورد و بانوی باتدبیر خانه اش، فاطمه علیهاالسلام طبق برنامه ی هر روز ۱/۳ از آن را تبدیل به نان و مواد غذایی نمود تا روزه بگیرند.

نخستین روز را روزه داشتند که افطار از راه رسید. آنان پس از نماز مغرب برای افطار آماده شدند که ناگهان بینوایی فقیر و درمانده به در خانه ی آنها آمد و کمک خواست و گفت:

السلام علیکم یا اهل بیت محمد! مسکین من مساکین المسلمین، اطعمونی اطعمکم الله من موائد الجنة. فاثروه و باتوالم یدوقو الا الماء...

«سلام خدای بر شما ای خاندان پیامبر! فقیری مسلمانم و تقاضای کمک دارم. به من غذا دهید که خدای شما را از مائده ی بهشتی بهره ور سازد.» خاندان امیر مومنان همگی ایثار نمودند و تمامی غذای خویش را به آن فقیر دادند و با آب افطار کردند.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

دومین روز را روزه گرفتند و به هنگام شام وقتی غذا را برای افطار در برابر خویش نهادند کودک گرسنه ای که سایه ی پدر را از دست داده بود، از راه رسید و تقاضای کمک کرد آنان نیز دگرباره ایثارگرانه، همه ی غذای خویش را بخاطر خدا به او هدیه کردند.

روز سوم را روزه گرفتند... و باز هم ایثار نمودند و غذای خویش را به اسیری انفاق کردند و او را بخاطر خشنودی خدا بر خویشان مقدم داشتند.

بامداد آن روز بود که امیر مومنان به همراه دو نور دیده اش حسن و حسین به محضر پیامبر شرفیاب گشتند و آن حضرت هنگامی که به آنان نگریست، آثار گرسنگی سختی در آنان دید.

فرمود: علی جان! راستی که شما را در شرایط سخت و ناگواری می نگرم.

از این رو آن حضرت بپا خواست و به همراه آنان به خانه بازگشتند.

فاطمه علیهاالسلام در حال نیایش و عبادت بود اما از شدت گرسنگی و بر اثر روزه ی چند روزه، از سوپی دیدگانش به گودی نشسته و از دگر سو شکم مبارکش بر پشت چسبیده بود. پیامبر از دیدن شرایط دخترش

سخت آزرده خاطر گردید و درست در همین لحظات بود که فرشته ی وحی فرود آمد و گفت:

هان ای محمد! این ارمغان آسمانی است. این را بگیر و به داشتن چنین خاندان سرفراز و بشر دوست و پاکباخته ای در بارگاه خدا افتخار نما که خداوند تو را در این مورد تهنیت می گوید و آنگاه این سوره ی

مبارکه را بر پیامبر تلاوت کرد:

هل اتی علی الانسان...

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

## زندگی حضرت امام خمینی ره

**امام خمینی** در روز بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق با ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ هجری شمسی ( ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲ میلادی ) در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی ایران در خانواده ای اهل علم و هجرت و جهاد و در خاندانی از سلاله زهرای اطهر سلام الله علیها، روح الله الموسوی الخمینی پای بر خاکدان طبیعت نهاد.

. پدر بزرگوار **امام خمینی** مرحوم آیه الله سید مصطفی موسوی از معاصرین مرحوم آیه الله العظمی میرزای شیرازی (رض)، پس از آنکه سالیانی چند در نجف اشرف علوم و معارف اسلامی را فرا گرفته و به درجه اجتهاد نایل آمده بود به ایران بازگشت و در خمین ملجأ مردم و هادی آنان در امور دینی بود. در حالیکه بیش از ۵ ماه ولادت **امام خمینی** نمی گذشت، طاغوتیان و خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت ندای حق طلبی پدر را که در برابر زورگوییهایشان به مقاومت بر خاسته بود، با گلوله پاسخ گفتند و در مسیر خمین به اراک وی را به شهادت رساندند.

بدین ترتیب **ایشان** نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مومنه اش (بانو هاجر) که خود از خاندان علم و تقوا و از نوادگان مرحوم آیه الله خوانساری ( صاحب زبده التصانیف ) بوده است. همچنین نزد عمه مکرمه اش ( صاحبه خانم ) که بانویی شجاع و حقجو بود سپری کرد اما در سن ۱۵ سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم گردید.

## هجرت امام خمینی به قم و تحصیل دروس تکمیلی:

اندکی پس از هجرت آیه الله العظمی حاج شیخ عبد الکریم حایری یزدی - رحمه الله علیه - ( نوروز ۱۳۰۰ هجری شمسی، مطابق با رجب المرجب ۱۳۴۰ هجری قمری ) **امام خمینی** نیز رهسپار حوزه علمیه قم گردید و به سرعت مراحل تحصیلات تکمیلی علوم حوزوی را نزد اساتید حوزه قم طی کرد.

در سال ۱۳۰۸ هجری خورشیدی با خدیجه ثقفی دختر ایه الله میرزا محمد ثقفی تهرانی ازدواج کرد..

ثمره این ازدواج تولد سید مصطفی، فرزند اول آنها در آذر ۱۳۰۹؛ سید احمد در ۲۶ اسفند ۱۳۲۴ و خانمها سیده فریده، سیده زهرا و سیده صدیقه بود.

، **امام خمینی** به عنوان یکی از مدرسین و مجتهدین صاحب رای در فقه و اصول و فلسفه و عرفان و اخلاق شناخته می شد . حضرت **امام خمینی** طی سالهای طولانی در حوزه علمیه قم به تدریس چندین دوره فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق اسلامی در فیضیه، مسجد اعظم، مسجد محمدیه، مدرسه حاج ملاصادق، مسجد سلماسی، و ... همت گماشت و در حوزه علمیه نجف نیز قریب ۱۴ سال در مسجد شیخ اعظم انصاری (ره) معارف اهل بیت و فقه را در عالیترین سطوح تدریس نمود و در نجف بود که برای نخستین بار مبانی نظری حکومت اسلامی را در سلسله درسهای ولایت فقیه بازگو نمود که این درسها در کتابی به نام ولایت فقیه منتشر شده است برخی از کتابهای دیگر امام خمینی عبارتند از تحریر الوسیله . البیع . الرسایل . مصباح الهدایه .  
چهل حدیث. ....

### **امام خمینی در سنگر مبارزه و قیام:**

. مبارزات ایشان از آغاز نوجوانی آغاز، و سیر تکاملی آن به موازات تکامل ابعاد روحی و علمی امام خمینی از یکسو و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران و جوامع اسلامی از سوی دیگر در اشکال مختلف ادامه یافته است و در سال ۱۳۴۰ و ۴۱ ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی فرصتی پدید آورد تا **امام خمینی** در رهبریت قیام و روحانیت ایفای نقش کند و بدین ترتیب قیام سراسری روحانیت و ملت ایران در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ با دو ویژگی برجسته یعنی رهبری واحد امام خمینی و اسلامی بودن انگیزه ها، و شعارها و هدفهای قیام، سرآغازی ششدر بر فصل نوین مبارزات ملت ایران که بعدها تحت نام انقلاب اسلامی در جهان شناخته و معرفی شد .  
. شاه در دیماه ۱۳۴۱ هجری شمسی اصول ششگانه اصلاحات خویش ر بر شمرد و خواستار رفراندوم شد . **امام خمینی** بار دیگر مراجع و علمای قم را به نشست و چاره جویی دوباره فراخواند.  
با پیشنهاد **امام خمینی** عید باستانی نوروز سال ۱۳۴۲ در اعتراض به اقدامات رژیم تحریم شد. در اعلامیه حضرت **امام خمینی** از انقلاب سفید شاه به انقلاب سیاه تعبیر و همسویی شاه با اهداف آمریکا و اسراییل افشا شده بود . از سوی دیگر، شاه در مورد آمادگی جامعه ایران برای انجام اصلاحات آمریکا به مقامات واشنگتن اطمینان داده بود و نام اصلاحات را انقلاب سفید نهاده بود. مخالفت علما برای وی بسیار گران می آمد.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

حضرت امام در روز ( ۱۳ فروردین ۴۲ ) اعلامیه معروف خود را تحت عنوان شاه دوستی یعنی غارتگری منتشر ساخت . راز تأثیر شگفت پیام **امام خمینی** و کلام امام در روان مخاطبینش که تا مرز جانبازی پیش می رفت را باید در همین اصالت اندیشه، صلابت رای و صداقت بی شائبه اش با مردم جستجو کرد.

**امام خمینی** در عصر عاشورای سال ۱۳۸۳ هجری قمری ( ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ شمسی ) در مدرسه فیضیه نطق تاریخی خویش را که آغازی بر قیام ۱۵ خرداد بود ایراد کرد.

**امام خمینی** در شامگاه ۱۴ خرداد دستگیر و ساعت سه نیمه شب ( سحرگاه پانزده خرداد ۴۲ ) صدها کماندوی اعزامی از مرکز، منزل حضرت **امام خمینی** را محاصره کردند و ایشان را در حالیکه مشغول نماز شب بود دستگیر و سراسیمه به تهران برده و در بازداشتگاه باشگاه افسران زندانی کردند و غروب آنروز به زندان قصر منتقل نمودند . صبحگاه پانزده خرداد خبر دستگیری رهبر انقلاب به تهران، مشهد، شیراز و دیگر شهرها رسید و وضعیتی مشابه قم پدید آورد.

. در شامگاه ۱۸ فروردین سال ۱۳۴۳ بدون اطلاع قبلی، **امام خمینی** آزاد و به قم منتقل می شود. به محض اطلاع مردم، شادمانی سراسر شهر را فرا می گیرد و جشنهای باشکوهی در مدرسه فیضیه و شهر به مدت چند روز بر پا می شود . اولین سالگرد قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۳ با صدور بیانیه مشترک **امام خمینی** و دیگر مراجع تقلید و بیانیه های جداگانه حوزه های علمیه گرامی داشته شد و به عنوان روز عزای عمومی معرفی شد.

. افشاگری **امام خمینی** علیه تصویب لایحه کاپیتولاسیون، ایران را در آبان سال ۴۳ در آستانه قیامی دوباره قرار داد.

. سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ دوباره کماندوهای مسلح اعزامی از تهران، منزل **امام خمینی** در قم را محاصره کردند. شگفت آنکه وقت باز داشت، همانند سال قبل مصادف با نیایش شبانه **امام خمینی** بود . حضرت **امام خمینی** بازداشت و به همراه نیروهای امنیتی مستقیماً به فرودگاه مهرآباد تهران اعزام و با یک فروند هواپیمای نظامی که از قبل آماده شده بود، تحت الحفظ مامورین امنیتی و نظامی به آنکارا پرواز کرد. عصر آنروز ساواک خبر تبعید **امام خمینی** را به اتهام اقدام علیه امنیت کشور ! در روزنامه ها منتشر ساخت.

علیرغم فضای خفقان موحی از اعتراضها به صورت تظاهرات در بازار تهران، تعطیلی طولانی مدت دروس حوزه ها و ارسال طومارها و نامه ها به سازمانهای بین المللی و مراجع تقلید جلوه گر شد.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

اقامت امام در ترکیه یازده ماه به درازا کشید در این مدت رژیم شاه با شدت عمل بی سابقه ای بقایای مقاومت را در ایران در هم شکست و در غیاب **امام خمینی** به سرعت دست به اصلاحات آمریکا پسند زد. اقامت اجباری در ترکیه فرصتی مغتنم برای امام بود تا تدوین کتاب بزرگ تحریر الوسيله را آغاز کند.

### **تبعید امام خمینی از ترکیه به عراق:**

روز ۱۳ مهرماه ۱۳۴۳ حضرت امام به همراه فرزندشان آیه الله حاج آقا مصطفی از ترکیه به تبعیدگاه دوم، کشور عراق اعزام شدند. **امام خمینی** پس از ورود به بغداد برای زیارت مرقد امه اطهار(ع) به شهرهای کاظمین، سامرا و کربلا شتافت و یک هفته بعد به محل اصلی اقامت خود یعنی نجف عزیمت کرد.

### **اوجگیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ و قیام مردم:**

شهادت آیه الله حاج آقا مصطفی خمینی در اول آبان ۱۳۵۶ و مراسم پر شکوهی که در ایران برگزار شد نقطه آغازی بر خیزش دوباره حوزه های علمیه و قیام جامعه مذهبی ایران بود. **امام خمینی** در همان زمان به گونه ای شگفت این واقعه را از الطاف خفیه الهی نامیده بود. رژیم شاه با درج مقاله ای توهین آمیز علیه امام در روزنامه اطلاعات انتقام گرفت. اعتراض به این مقاله، به قیام ۱۹ دی ماه قم در سال ۵۶ منجر شد که طی آن جمعی از طلاب انقلابی به خاک و خون کشیده شدند. شاه علیرغم دست زدن به کشتارهای جمعی نتوانست شعله های افروخته شده را خاموش کند. او بسیج نظامی و جهاد مسلحانه عمومی را بعنوان تنها راه باقیمانده در شرایط دست زدن آمریکا به کودتای نظامی ارزیابی می کرد.

### **هجرت امام خمینی از عراق به پاریس:**

در دیدار وزرای خارجه ایران و عراق در نیویورک تصمیم به اخراج **امام خمینی** از عراق گرفته شد. روز دوم مهر ۱۳۵۷ منزل امام در نجف بوسیله قوای بعثی محاصره گردید انعکاس این خبر با خشم گسترده مسلمانان در ایران، عراق و دیگر کشورها مواجه شد.

روز ۱۲ مهر، **امام خمینی** نجف را به قصد مرز کویت ترک گفت. دولت کویت با اشاره رژیم ایران از ورود **امام خمینی** به این کشور جلوگیری کرد. قبلا صحبت از هجرت **امام خمینی** به لبنان و یا سوریه بود اما ایشان پس از مشورت با فرزندشان (حجه الاسلام حاج سید احمد خمینی) تصمیم به هجرت به پاریس گرفت. در روز ۱۴ مهر ایشان وارد پاریس شدند.

کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

### بازگشت امام خمینی به ایران پس از ۱۴ سال تبعید:

اوایل بهمن ۵۷ خبر تصمیم امام خمینی در بازگشت به کشور منتشر شد. هر کس که می شنید اشک شوق فرو می ریخت. مردم ۱۴ سال انتظار کشیده بودند. اما در عین حال مردم و دوستان امام نگران جان ایشان بودند چرا که هنوز دولت دست نشانده شاه سر پا و حکومت نظامی بر قرار بود. اما امام خمینی تصمیم خویش را گرفته و طی پیامهایی به مردم ایران گفته بود می خواهد در این روزها سرنوشت ساز و خطیر در کنار مردمش باشد. دولت بختیار با هماهنگی ژنرال هایزر فرودگاههای کشور را به روی پروازهای خارجی بست.

دولت بختیار پس از چند روز تاب مقاومت نیاورد و ناگزیر از پذیرفتن خواست ملت شد. سرانجام امام خمینی بامداد ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از ۱۴ سال دوری از وطن وارد کشور شد. استقبال بی سابقه مردم ایران چنان عظیم و غیر قابل انکار بود که خبرگزاریهای غربی نیز ناگزیر از اعتراف شده و مستقبلین را ۴ تا ۶ میلیون نفر برآورد کردند.

### سرنگونی نظام شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن یوم الله:

روز ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ پرسنل نیروی هوایی در محل اقامت امام خمینی (مدرسه علوی تهران) با ایشان بیعت کردند. و سرانجام در بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ هجری شمسی انقلاب شکوهمند اسلامی به پیروی رسید کمتر از دو ماه از پیروزی انقلاب نمی گذشت که ۹۸ / ۲ درصد رای دهندگان در فراندوم ۱۲ فروردین سال ۵۸ در یکی از آزادترین انتخابات تاریخ ایران رای به استقرار نظام جمهوری اسلامی دادند و متعاقب آن انتخابات پیاپی برای تدوین و تصویب قانون اساسی و انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی برگزار گردید پس از پیروزی انقلاب توطیه های استکبار جهانی در اشکال مختلف ادامه یافت

. گروهک تروریستی فرقان ، اندیشمند برجسته و عضو شورای انقلاب ، علامه مرتضی مطهری را در تاریخ ۵۸/۲/۱۲ و آیه الله قاضی طباطبایی ۵۸/۸/۱۰ و دکتر محمد مفتاح ۵۸/۹/۲۸ و حاج مهدی عراقی و پسرش ۵۸/۶/۴ ترور کرد و در ترور آقایان هاشمی رفسنجانی و موسوی اردبیلی ناکام ماند.

سازمان منافقین رسماً دست به اقدامات براندازی و فعالیتهای تروریستی زدند و آیه الله خامنه ای را در روز ۶ تیر ماه ۱۳۶۰ بر اثر انفجار بمبی که منافقین در مسجد ابادر تهران کار گذاشته بودند به هنگام سخنرانی مجروح نمودند . فردای آن روز فاجعه ای عظیم به وقوع پیوست . ۷۲ تن از کار آمدترین عناصر نظام اسلامی و یاران امام خمینی که در میان آنان رئیس دیوانعالی کشور ( دکتر بهشتی ) ، چند تن از وزرا ، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسئولین قوه قضائیه و جمعی از



کتاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا شهادت

منتفکرین و نویسندگان و نیروهای انقلابی حضور داشتند ، در مقر حزب جمهوری اسلامی بر اثر انفجار بمبی قوی که عامل نفوذی سازمان منافقین کار گذاشته بود ، شهید شدند . دو ماه بعد در روز ۸ شهریور ۱۳۶۰ آقای محمد علی رجایی چهره محبوب مردم ایران که بعد از عزل بنی صدر از سوی مردم به ریاست جمهوری انتخاب شده بود به همراهان حجه الاسلام دکتر محمد جواد باهنر ( نخست وزیر ) در محل کار خویش با انفجار بمبی دیگر به شهادت رسیدند .

. علاوه بر شهادت ۷۲ نفر از محبوبترین شخصیت‌های نظام اسلامی در انفجار مقر حزب جمهوری اسلامی و شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر ایران ، چهره های برجسته دیگری نیز بوسیله اقدامات تروریستی منافقین از مردم ایران گرفته شدند که می توان از ترور آیه الله صدوقی امام جمعه یزد ( ۱۱ / ۴ / ۶۱ ) ، ترور آیه الله دستغیب امام جمعه شیراز ( ۲۰ / ۹ / ۶۰ ) ، ترور آیه الله مدنی امام جمعه تبریز ( ۲۰ / ۶ / ۶۰ ) ، آیه الله قدوسی به همراه سرتیپ دستجردی ( ۱۴ / ۶ / ۶۰ ) و ترور حجه الاسلام هاشمی نژاد ( ۷ / ۷ / ۶۰ ) و دهها شخصیت روحانی دیگر نام برد که هر یک در منطقه ای وسیع از ایران بر دل‌های مردم حکومت داشتند و نقش آفرینان نهضت امام خمینی بودند .

### جنگ تحمیلی و دفاع ۸ ساله امام خمینی و ملت ایران:

ارتش عراق در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تجاوز گسترده نظامی خویش را در طول ۱۲۸۰ کیلومتر مرز مشترک از شمالی ترین نقطه مرز مشترک با ایران تا بندر خرمشهر و آبادان در جنوب ایران آغاز کرد . همزمان هواپیماهای نظامی عراق فرودگاه تهران و مناطق دیگر را ( در ساعت ۲ بعد از ظهر ) بمباران کردند . این جنگ تحمیلی هشت سال طول کشید و سرانجام با پیروزی ملت بزرگ ایران پایان پذیرفت

### رحلت امام خمینی

در آستانه نیمه خرداد سال ۱۳۶۸ امام خمینی خود را در آماده ملاقات عزیزی می کرد که تمام عمرش را برای جلب رضای او صرف کرده بود و قامتش جز در برابر او ، در مقابل هیچ قدرتی خم نشده ، و چشمانش جز برای او گریه نکرده بود سرانجام ساعت ۲۰ / ۲۲ بعد از ظهر روز شنبه سیزدهم خرداد ماه سال ۱۳۶۸ لحظه وصال بود . قلبی از کار ایستاد که میلیونها قلب را به نور خدا و معنویت احیاء کرده بود .